

# پیام سندیکا

## پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۵۱ / سال ششم / مهر ۱۳۹۵ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران



ششمین سال انتشار پیام سندیکا بر کوشندگان کارگری ایران خجسته باد!



سندیکای کارگران  
نقش و تزیینات  
تاسیس: ۱۳۴۸



اتحادیه  
نیروی کار  
پروژه‌های



# پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کار مکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر وهفت تپه

اتحاد به نیروی کار پروژه‌ای

<http://vahedsyndica.com>

[vsyndica@gmail.com](mailto:vsyndica@gmail.com)

[s\\_felezkar@yahoo.com](mailto:s_felezkar@yahoo.com)

[gmail.com@sfelezkar1961](mailto:gmail.com@sfelezkar1961)

[www.sfelezkar.com](http://www.sfelezkar.com)

[irunionmessenger@gmail.com](mailto:irunionmessenger@gmail.com)

**شماره ۵۱**

**در این شماره می خوانید:**

سرپیام

ششمین سال انتشار نشریه کارگری پیام سندیکا

اطلاعیه‌های سندیکاهای کارگری

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور

برای مبارزه چون فولاد آبدیده شده‌اند

اول مهر در راه است

دستان خالی کارگران بی‌اعتنایی مسئولین شرکت واحد

وزارت کار در روابط کارگری در کجا قرار دارد!

نقدی بر تسهیلات رفاهی (مسافرت) پرسنل شرکت واحد

حقوق مدیران چند برابر حقوق یک کارگر است؟

وقتی کارگر حقوق نمی‌گیرد!

کارگران به سرمایه‌های معنوی خود می‌بالند!

انجماد مزدی فقط برای حداقل بگیران بوده است!

به دعوت سندیکاهای کارگری فرانسه اتفاق افتاد

تظاهرات سندیکاهای کارگری در آلمان

پورش به مزد و امنیت شغلی کارگران!

از اعتراضات متنوع کارگران بیاموزیم!

اعلام هوشیاری به کارگران و زحمتکشان شرکت واحد

نهادهای مدنی و وظایف ما!

نظری به المپیک ۲۰۱۶ ریو

شگردهای دلان برای ورود خودروه به کشور!

غلامحسین نصیری کوشنده کارگری درگذشت!

بچه‌هایی که بوی گاو می‌دهند!

اینگونه است که ایران روزی دو میلی متر فرو می‌رود!

زنان پیشگام حرکت‌های اجتماعی و زیست محیطی!

تن فروشی، یک معضل اجتماعی محصول فقر و فساد حکومتی!

لا یحبه کاهش ساعات کار زنان به تأیید شورای نگهبان رسید

یک و انت شادی و شادمانی

## سرپیام

هر نوشته، اظهار نظر، و رفتاری از دیدگاههای افراد و گروهها نشات می گیرد که تدوین کنندگان به اصطلاح «اصلاح قانون کار» از این امر مستثنا نیستند. تدوین کنندگان «اصلاح قانون کار» با نوشتن این لایحه اثبات کردند که اعتقادی به حقوق انسانی و حتا قانون اساسی برای اکثریت جامعه ایران یعنی زحمتکشان ندارند. چرا که اصلاح به معنای ارتقا دادن و پیرایش موارد منفی است. آیا لایحه ارایه شده «اصلاح قانون کار» از سوی دولت به مجلس موجبات ارتقا قانون بسوی رفاه زحمتکشان و پیشرفت امور جامعه است؟

این قانون با دیدگاه سودجویانه سرمایه داری و قایل نبودن حقوق انسانی برای زحمتکشان نوشته شده است. اولین خطای صورت گرفته در این اصلاح !!! قانون کار این بوده، با زحمتکشانی که زندگیشان به این تغییر بستگی دارد و ۹۵ درصد جامعه ۸۰ میلیونی ایران را در بر می گیرد، مشورت ننموده و از آنان نظر نخواستند و این شامل خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار هم گردیده است. چه برسد به سندیکاهای کارگری. دولت با این عمل نشان داده اعتقادی به مشورت و نظرخواهی از ۹۵ درصد جامعه ندارد. دومین خطا این است که این طرح چرا بصورت مخفیانه طراحی و به مجلس برده شده است؟ مگر می خواهید چه کار محرمانه ای بکنید که ۹۵ درصد مردم ایران نامحرم شمرده شده اند؟ سومین خطای صورت گرفته این است که این طرح، قانون اساسی و میثاق های بین المللی همچون مقاوله نامه های سازمان بین المللی کار را نقض کرده است.

آنچه در قانون کار از نظر کارگران باید لحاظ شود، اول: فلسفه قانون کار حمایت از تولیدکنندگان ثروت اجتماع (زحمتکشان) در مقابل صاحبان قدرت و نفوذ، باید باشد. که متاسفانه تمامی بندهای اصلاح قانون کار به نفع صاحبان زر و زور بوده و کارگران از قوانین حمایتی قانون کار قبلی هم محروم شده اند. دوم: تعیین تکلیف تشکل های مدافع کارگران، سوم: موضوع دستمزدها، چهارم: اعتصابات کارگری و شکل های دیگر تجمع، پنجم: نظارت کارگران بر اموال خود در تامین اجتماعی، ششم: امنیت شغلی و بیکار کردن و یا همان اخراج کارگر.

۱- در این اصلاحیه برخلاف قانون اساسی نامی از سندیکاهای کارگری که وزیر کار و دیگران هر ساله در سازمان بین المللی کار قول اجرایی شدنش را می دهند، نیامده است. کارفرمایان بزرگ (دولت) و کوچک می دانند که سندیکاهای کارگری دژ نفوذ ناپذیر هر گونه فساد، و تخطی از قانون هستند و بر درست اجرا شدن قانون نظارتی سختگیرانه دارند. در جایی که کارفرمایان نه تنها تشکل های خود را دارند، بلکه در اتاق های بازرگانی و صنعت معدن هم به موازات وزارتخانه ها حضور داشته، دولتی در دل دولت عمل می کنند. دولت از فعالیت سندیکاهای کارگری وحشت دارد. حتا تشکل های دولت

ساخته هم در این قانون به ویژه مواد ۲۱ و ۲۷ که به بیکار شدن کارگران می پردازند، نقشی ندارند. دولت در کل خواهان برچیده شدن تشکل های کارگری چه دولتی و چه غیر دولتی است و اعتقادی به اصل ۲۶ قانون اساسی ندارد. در نبود سندیکاهای کارگری باید کارگر ارزان و فاقد هرگونه حقوق انسانی و قانونی مهیا و در اختیار کارفرمایان داخلی و خارجی گذاشته شود.

۲- در ماده ۴۱ «اصلاح قانون کار» یکی از اصولی ترین و مهمترین دغدغه های کارگران یعنی حداقل دستمزد، دچار تغییرات اساسی شده است. تعیین دستمزد به عبارت نامفهوم «شرایط اقتصادی کشور» به عنوان یکی از معیارهای تعیین حداقل دستمزد، ارجاع داده شده است و این به معنی آن است که اصل ۳ قانون اساسی نقض آشکار شده و دولت به «رفع فقر و محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه» اعتقادی ندارد و این ماده راهی برای قانون گریزی های دولت و کارفرمایان برای تعیین دستمزدی نازل و حقیرانه می گشاید.

۳- در «اصلاح قانون کار» به اعتصاب کارگری و هرگونه تجمعی و رعایت اصل ۲۷ که حق اعتصاب و راهپیمایی و تجمع را برای مردم حقی انسانی شمرده، اشاره نشده است. همچنان که در رفتار دولت در این چند سال و دادگستری دیده ایم، قایل به برخورد با کارگران معترض و شکایت کارفرما از کارگران و زندانی نمودن آنان است.

۴- در ماده ۱۴۸ این لایحه دست کارفرما برای بیمه نمودن کارگران در بیمه های خصوصی بازگذاشته شده است و در ماده ۲۲ سازمان تامین اجتماعی به صندوق تبدیل شده است. چرا؟ با ماده ۱۴۸ کارفرما با بیمه های خصوصی وارد زد و بند شده و با کمترین مبلغ و سطح پوشش کارگران را از ارایه خدمات مطلوب محروم می کند. همچنین باعث تضعیف سازمان تامین اجتماعی گشته و آن را اول به صندوق و سپس با تصرف اندوخته های کارگران نابود خواهد کرد. که در این میان تکلیف اندوخته های پدربزرگ ها و پدران مان نامعلوم است. دولت در این ماده نشان داده است که اعتقادی به تامین اجتماعی ندارد و همسو با کارفرمایان خواهان نابودی این دستاورد کارگری و انسانی است. این در حالی است که کاندیدای ریاست جمهوری کشور آمریکا خانم کلینتون در تبلیغات خود از بیمه نمودن ۲۵ میلیون آمریکایی در طرح بیمه همگانی اوباما سخن گفته و افتخار می کند. حال در کشور ما با این طرح می خواهیم بیمه های اجتماعی را تضعیف و نابود کنیم

۵- موضوع اخراج کارگران در ماده ۲۷ به کمیته های انضباطی ارجاع داده شده که کارفرما به بهانه قصور در انجام وظیفه به راحتی کارگران را اخراج کنند و حتا نقش شوراها را هم بی اثر کرده اند. موضوع امنیت شغلی و بیکار نمودن کارگران را ماده ۲۱ و بندهای ۲ و ۳ برای کارفرما با توافق!!! و نوبساز کارخانه... راحت کرده است. و این در حالی است که کاندیدای ریاست جمهوری آمریکا با افتخار اعلام می کند که اوباما سرمایه دار ۱۵ میلیون شغل ایجاد کرده است. اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران به درستی این لایحه را کودتا علیه کارگران دانسته است.

**ما اعلام می کنیم چنانچه چنین روندی به سمت اجرایی شدن پیش رود،**

**بی تردید پاسخ آن اعتصابات فراگیر کارگری خواهد بود.**

هیات تحریریه پیام سندیکا

## ششمین سال انتشار نشریه کارگری پیام سندیکابر جنبش سندیکایی تهنیت باد!

از مهر ماه ۱۳۸۸ فعالیت مطبوعاتی کارگران فلز کار مکانیک در میان کارگران بان انتشار خبر نامه فلز کار آغاز و در مهر ماه سال ۱۳۹۰ نشریه پیام فلز کار منتشر گردید. از شماره ۱۷ اردیبهشت سال ۹۲ به پیشنهاد سندیکای کارگران شرکت واحد و همراهی دیگر سندیکاهای این نشریه به پیام سندیکا تغییر نام داد.

### باز نشر

گرفته دست هایمان را به هم پیوندزنیم

### اعضای هیات مدیره سندیکاهای کارگری ایران!

سالها از بازگشایی و فعالیت سندیکاهای کارگری شرکت واحد- هفت تپه - فلز کار مکانیک - نقاش - اتحادیه پروژه ای می گذرد. متأسفانه ما جز در مواردی کوتاه تلاشهایمان پراکنده بوده است و از حمایت یکدیگر بصورت قاطع و متحد برخوردار نبوده ایم. در سال جاری کوشش هایمان را افزون کرده و امیدواریم در سال جدید مبارزاتمان را پیرامون دستمزدهای حقیرانه، گرانی، بیکاری، حقوق های عقب افتاده، قانون کاری مترقی و به سود زحمتکشان و قانون تامین اجتماعی در حد شخصیت کارگران ایران، آزادی زندانیان کارگری و از همه مهمتر آزادی برپایی و فعالیت آزادانه سندیکاهای کارگری متحد شویم. با توجه به پیشنهاد دوستان سندیکایی در سندیکاهای دیگر، هیات تحریریه پیام فلز کار در اولین قدم تصمیم گرفت از نام پیام فلز کار صرف نظر کرده و نام نشریه را به پیام سندیکا تبدیل کند، تا این نشریه بازتاب نظرات همه فعالین سندیکایی و سندیکاهای کارگری باشد. همه دوستداران جنبش سندیکایی، کارگران، فعالین سندیکایی و سندیکاهای کارگری می توانند با ارسال مقاله، خبر، نقد، شعر به این نشریه با نام خودشان در پالایش نظرات یکدیگر و به همبستگی سندیکایی همت گزاردند و در گسترده تر شدن این نشریه کوشش کنند. بیایید امسال را به هم اندیشی و همپوشانی و همبستگی کارگری در عرصه اعلام خواسته های مشترک در عرصه مبارزه با دستمزدهای حقیرانه، پیش نویس ارتجاعی قانون کار و تامین اجتماعی تبدیل کنیم. متحد شویم و سر مشقی قدرت ماندانه از تلاش های کارگری و سندیکایمان در پهنه جامعه به نمایش بگذاریم.

هیات تحریریه پیام سندیکا ۱۳۹۲/۲/۱۰

#### رونوشت به:

- سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
- سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه
- هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات تهران و حومه
- اتحادیه کارگران پروژه ای



## سلام، سلام سنديکا

### کارگرفلز کارشاعیر ذوالفقار کمالی

بمناسبت ششمین سال انتشار نشر به کارگری پیام سنديکا

ترجمه:

به خانه ام دوباره آمد،  
پیام آور سنديکا،  
سلام سلام سنديکا،  
قدرت دهنده جانم  
دینم وای ایمانم،  
همچو خون در رگهایم،  
ای مسلک و مرا مرام،  
مرا مرام سنديکا است.

تکیه گاه امروزم،  
چراغ شب های تارم،  
ای پرچم فردایم،  
تلاش های سنديکا

سلام، سلام سنديکا  
یثنه قاپنی دؤیدؤ  
سندیکانین پیامی  
سلام، سلام سنديکا  
ای جانیمین دوامی  
دینم ده ایمانیم دا  
دامار یمدا قانیم دا  
مسلکیم، مرا میم دا  
سندیکانین مرا می

بوگوئومون دایاغی  
قارانلیغین چیراغی  
صاباحیمین بایراغی  
سندیکانین قیامی



## سندیکا، فلز کار لارین حق سسی یم من.

محمد حسین طهماسب پور معروف به شهرک میرزا

بمناسبت ششمین سال انتشار نشریه کارگری پیام سندیکا

### ترجمه:

صدای حقانیت سندیکای فلز کار  
هستم.  
شعارم وحدت کارگران است،  
بی صبرانه خواهان اتحادم،  
وقار و متانتم با افزایش اعضاست،  
وظیفه ام انعکاس خواسته و رنج  
کارگران است،  
گور است شمار گرر ابا بد کند،  
صدای عرق بر جبینم،  
آرزو مندم تمام صنوف سندیکا  
داشته باشند،  
افراد عضو شوند،  
همه با هم متحد شویم.  
افتخار میکنم صدای زحمتکشانم،  
صدای حقانیت سندیکای فلز کار  
هستم.

سندیکا، فلز کار لارین حق سسی یم من.  
ال بیرائله مک کارگری دیلده شعار یم.  
بیر لیکدن اوتور یو خود منیم صبر و قرار یم.  
عضو و منقدر چوخ اول آرتیقدی و قرار یم.  
فخرائیله بیرم اتحادین میوه سی یم من.  
سندیکا فلز کار لارین حق سسی یم من.  
بو کار گرین دردینی یاز ماقدی وظیفیم.  
اول قان سورانین قبری نی قاز ماقدی وظیفیم.  
ظلمیله اولان قانونو پوز ماقدی وظیفیم.  
زحمت چکه نین تر تو که نین حق سسی یم من.  
آرزو بودور هر صنفیده سندیکا قور و لسون  
افرادی گلیب شوقیلا سندیکا یاد و لسون.  
بیر لیکه هامی عضو بیز یم جر گه میز اولسون.  
آوازه لنیم کار گرین نغمه س یم من.  
سندیکا، فلز کار لارین حق سسی یم من.

## «حمایت‌سنديکای کارگران فلز کار مکانیک از این اطلاعیه»

**« سنديکای کارگران فلز کار مکانیک ضمن اعلام حمایت همه جانبه از این اطلاعیه ، اعلام می کند چنانچه چنین روندی به سمت اجرایی شدن پیش رود بی تردید پاسخ آن اعتصابات فراگیر کارگری خواهد بود»**

**سنديکای کارگران فلز کار مکانیک ۱۳۹۵/۶/۱۵**

### **لایحه اصلاح قانون کار یا پیروزی کودتا، علیه قانون اساسی ایران**

اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران اعلام می دارد تایید و تصویب لایحه اصلاح قانون کار به وسیله دولت یا مجلس، در عمل حذف قانون اساسی کشور می باشد. از این رو می باید کلیه حقوق بگیران کشور چه کارگر، کارمند، مهندس و معلم با این روند قانون زدایی که با اولین دولت پس از جنگ (دولت رفسنجانی) آغاز شده است مخالفت نمایند. برخی از کارگران نفت گر ایران یادآوری می کنند که:

الف) دولت وظایفش طبق قانون اساسی کشور اجرا و کاربردی کردن قانون اساسی است نه تنظیم لوایحی که نقض کننده مواد این قانون می باشد.

ب) قانون اساسی هر کشور قوانین مادر می باشند و دولت ها می باید تنها در این چارچوب پیشنهاد قانونی بدهند.

پ: مجلس لایحه ای را می تواند مورد بررسی قرار دهند که با قوانین اساسی کشور در تضاد نباشد.

ت) دولتی که اقدام به قانون زدایی نماید مشروعیت آن باید در مجلس مورد بررسی مجدد قرار گیرد.

پس از پایان جنگ با روی کار آمدن رفسنجانی به عنوان رییس جمهور بده بستان با بانک جهانی و صندوق بین المللی پول آغاز شد و ایران روندی را پیش گرفت که به صورت خزنده به آغوش سرمایه داری مالی پیوست و پروسه حذف قانون اساسی آغاز گردید، تا ایران تبدیل به یک شریک تجاری حاشیه ای امپریالیسم جهانی بدل گردد. این دولت با اعلام و ایجاد مناطق آزاد تجاری - صنعتی که برخلاف اصول قانون اساسی کشور اصل های ۴۴ و ۴۵ بود این مناطق را از شمول





قانون کار خارج کرد.

دولت اصلاحات که منظورش از اصلاحات همان قانون زدایی به نفع یک درصدی‌ها جامعه و به زیان ۹۹ درصد حقوق‌بگیران، کارگران و زحمتکشان ایران بود کارگاه‌های زیرده‌نفر را از شمول قانون کار خارج نمود و بدین‌گونه روند کودتار را تحکیم شد.

دولت اصول‌گرای بعدی که برای پیوستن به تجارت جهانی شتاب بیشتری داشت، شوک درمانی را پیشنهاد نمود تا برای همیشه از "شر" قانون اساسی راحت شوند و پا جای پای شاه در وابستگی اقتصادی بگذارند. ولی نتوانست به صورت کامل موفق گردد. ولی امروز دولت فعلی می‌خواهد آن زهر را آرام به کام مردم بریزد بدین جهت بنام برداشتن موانع سرمایه‌گذاری!!! حذف قانون کار را به نام لایحه اصلاح قانون کار به مجلس پیشنهاد داده است و شمشیر را بر علیه منافع حداقلی کارگران از رو بسته است.

این روند یک کودتای ضد قانون اساسی کشور است. رضا خان میر پنج هم، با همین شیوه و با نام جمهوری خواهی بر علیه قانون اساسی مشروطه برنامه ریزی نمود و با لایحه غیر قانونی ماده "ده" از جمهوری به آغوش استبداد پرید و دیدیم عاقبت او و پسرش را که آرزوی در خاک ایران دفن شدن را هم، به گور بردند.

این دور باطل تاریخ کشور ماست که تا آن زمانی که استبداد سیاسی - اقتصادی... وجود دارد از آن گریزی نیست. ما در دوران نوشتن کتاب یک کلمه مستشار الدوله (ناصر الدین شاه قاجار) هستیم که باید در برابر این زیاده خواهی دولت‌های پس از جنگ بایستیم و حقوق قانونی خود را طبق مواد ۴۴، ۴۵ و... قانون اساسی مطالبه کنیم.

اتحادیه نیروی کار پروژه‌ای ایران  
سخن‌گو ناصر آقاجری ۱۵ شهریور ۱۳۹۵

## درود و افتخار بر توای فرزند کار و زحمت

هیات موسس سندیکای کارگران نقاش و تزیینات تهران  
سندیکای کارگران فلز کار مکانیک

۱۳۹۵/۶/۱۶



### حسین اسدی کارگر نقاش و استاد بی بدیل ساز و آواز به ابدیت پیوست!

حق سئل کیمی دریایه آخیب، یول تاپا جاقدیر  
دش آتماغینان، کیمسه اونو چوندره بیلمز  
دونیادا قارانیقلا راکر، جمع اولاباهم  
بیر خیر داجاشمعین ایشیقین، سوندره بیلمز

از میان عاشقان، کارگری هنرمند و مبارز به ابدیت پیوست. حسین اسدی کارگر نقاش و استاد بی بدیل ساز و آواز با روشنایی همچون شمع خود، در روزگاری که سازها را می شکستند و آوازها را خاموش می ساختند به مبارزه ای نابرابر برخاست و صدها ساز ساخت تا آوای شورانگیز عشق و مبارزه همچنان بماند.

اوطی سالیان «آن جاودان» خود را تدارک دید و اثبات کرد که اگر همه تاریکی دست به دست هم دهند او را نتوان شکست داد. و امروز اگر او نیست چنگیز مهدی پوره... نوروز چمنی ها... عاشیق احمد حمیدی ها... عاشیق محبوب خلیلی ها... بی تردید راه او را هموارتر خواهند ساخت تا باز هم کوراوغلی ها، صمدها با ساز خود و نوای مردمی خود افشاگر ظالمان باشند.

## گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



### فهرست گزارشات خبرنگاران پیام سندیکا:

صفحه

۱۱	گزارش پیام سندیکا از نیشکر هفت تپه
۱۲	گزارش پیام سندیکا از عسلویه
۱۴	گزارش خبرنگاران پیام سندیکا از کارخانه ذوب آهن اصفهان
۱۹	گزارشی از کارخانه سینا دارو
۲۰	گزارش خبرنگاران پیام سندیکا از ایران خودرو
۲۲	گزارش خبرنگاران پیام سندیکا از وضعیت کارگران ساختمانی
۲۳	گزارش خبرنگار پیام سندیکا از کارخانه های سیمان
۲۳	گزارش خبرنگار پیام سندیکا از مشکلات رانندگان تاکسی:
۲۴	گزارش پیام سندیکا از سرمایه گذاری یک شرکت خارجی در نظر آباد کرج
۲۵	گزارش خبرنگار پیام سندیکا از دانشجویان دندان پزشکی
۲۶	اخبار کارگری از شرکت واحد اتوبوسرانی
۳۱	گزارش خبرنگار پیام سندیکا از معضل پشه های سفید در تهران

## گزارش پیام‌سندیکا از نیشکر هفت تپه



امروز هم ۱۳ شهریور، نیشکر هفت تپه در اعتصاب بود. هیچ کس از خریداران شرکت که می‌باید پاسخگوی مطالبات کارگران باشند از ده روز پیش در شرکت حضور نیافته‌اند. تاکی باید شرم‌نده خانواده باشیم؟ چرا باید چوب رانت خواری را ما بخوریم؟ خطر این نوع واگذار به‌از داعش و وهابیت برای کشورمان کمتر نیست. چه دلیلی داشت این شرکت حتماً با این شرایط واگذار بشود؟

مشکلات و خواسته‌های کارگران به شرح زیر است:

- ۱- پنج ماه بیمه و چهار ماه حقوق روزمزدها عقب افتاده و پرداخت نگردیده است. ۲- دوماه حقوق کارکنان دائمی و بیش از ۶ ماه حقوق و انت‌های استیجاری و سه ماه حق الزحمه اتوبوسها پرداخت نشده است. ۳- بیمه ۴ درصدی بیش از ۷۰۰ نفر که زیان‌آور آنها که مورد تایید واقع شده. ۴- پرداخت نشدن ۴ درصد ۶۳ نفر که چند وقتی است و خانه نشین هستند و هنوز پایان کار نگرفتند. ۵- پرداخت نشدن سیزده میلیارد پول بیمه‌نی بر آن که مصوبه خاص مجلس می‌باشد. ۶- بدهی هنگفت به پیمانکاران شرکت. ۷- نفرستادن کارکنان به سفر زیارتی مشهد طبق روال هر سال. ۸- درج نمودن ممنوعیت حضور در اعتصاب کارگران روز مزد. ۹- بی‌تفاوتی مسئولین شهر و استان و اداره کار به این موضوع

به خدا قسم کارگران نان قرضی دارند از نانوا می‌خرند و نانوا ی هفت تپه تا کنون چهارصد هزار تومان نان قرضی به کارگران داده است.

### اخبار تکمیلی خبر نگار پیام‌سندیکا از نیشکر هفت تپه

اعتصابات کارگران نیشکر تا امروز ۱۷ شهریور ادامه دارد. کارفرما که از اتحاد کارگران می‌ترسد، در یک اقدام تفرقه افکنانه به نیمی از کارگران که در بخش صنعت و کشاورزی کار میکنند و در اعتراضات چند روز گذشته فعال بودند، حقوق پرداخت کرده و به نصف کارگران و بیش از هزار کارگر روز مزد حقوقی پرداخت نکرده است. با اینکه کلیه مسوولین منطقه از وضعیت کارخانه و مشکلات کارخانه مطلع هستند، هیچ‌گونه حمایتی از سوی فرماندار و استاندار تاکنون نشده است.

مدیریت می‌خواهد با فشار گذاشتن کارگران و بی‌پولی آنان، کارگران را وادار سازد تا به نقشه‌های ضد کارگری او تمکین کنند.

## گزارش خبرنگار پیام سندیکا از عسلویه



(وارثان خرم‌دین، کارگر پارس جنوبی عسلویه)

دروود به تمام کارگران پرتلاش ایران زمین.. دروود بر تمام کسانی که ندای مظلومیت کارگران را به سراسر جهان و به انتهای تمام هزاره های تاریخ انتقال می دهند..... همانطور که میدانید در کشور عزیزمان ایران، شرایط به گونه ای پیش می رود که کارگران را فقط به عنوان ابزار مورد هدف قرار میدهند و سیستم منپاوری یا دلالی کار همچون انگلی زهرآگین سفره های مردم را نشانه گرفته است و مردم توانمند ما را سرخورده و ناتوان نموده است و آنها را در سراب سرگردانی خود اسیر نموده است. منطقه پارس جنوبی عسلویه که یکی از بزرگترین قطبهای اقتصادی جهان می باشد همچنان جولانگاه جهان سرمایه داری است و بردگی کارگران به شکل مدرن همچنان ادامه دارد. فشارهای کاری و شرایط سخت تابستان و شرجی و آلودگی گازهای سمی و مواد شیمیایی همچنان وجود دارد و تنها مدت دو سه روزی است که از شرجی سخت تابستان به طور موقت آزاد شدیم ولی شرایط بی پولی و پول ندادن ها، روان آزده کارگران را سخت می آزد. بعد از مدت چهار پنج ماه که اولین برج حقوقی را پرداخت می کنند بایستی همه را خرج بدهکاری هایمان بنمائیم. وقت مرخصی نهایت مساعده در حد دویست هزار تومان می باشد که فقط کفاف کرایه ماشین را می دهد و بیشتر کارگران در مدت مرخصی، به جای استراحت در کنار خانواده مجبورند کار بنایی و باغبانی انجام دهند تا پول کرایه برگشت و خرج خانواده را در بیاورند. برای گذران زندگی فقط مجبوریم قرض بکنیم تا چهار و پنج ماه دیگر. بسیاری از نیروها در هنگام کار که شرجی تنفس آنها را محدود میکرد و بخاطر عرق زیاد و فشار کاری غش میکردند و به بهداری برده می شدند. دکتر بعد از تزریق سرم و فرستادن اکسیژن و درمان با ناراحتی و خشم می گفت که با وجود شکر و آلبیمو در محل کار و استفاده کارگران از آن، شاهد چنین نگرانی هایی نیستیم... با وجود فشاری که از جانب سرپرستان و ایمنی شرکت در جریان این امر قرار گرفت رئیس کارگاه چنین بیان کرد که در انبار مرکزی شرکت، آلبیمو هست ولی شکر نداریم و به همین آسانی از خود سلب مسوولیت نمود.

حال بایستی پرسید که جناب رئیس کارگاه! آلبیمو برای چه کسانی در کارگاه وجود دارد؟ کارگران یا حضراتی که فقط کارشان آمار گرفتن کار کارگران هست و نه مجریان و تولید کنندگان.... باسپاس از توانمندپهای کارگران ایران زمین.....

### گزارش تکمیلی

دروود به تمام کارگران ایران زمین!  
دود غلیظ و سیاهی در سرزمین گرم و شرجی پارس جنوبی عسلویه همچنان در حال بالا آمدن است و ریه های کارگران پرتلاش سرزمینمان، همچنان پذیرای این آلودگی است. انفجار پتروشیمی مبین در مدت چهار روز همچنان به سوختن ادامه می دهد و متاسفانه هنوز قابل کنترل نبوده و دود غلیظ سیاهی که از دهانه های آن خارج میشود که موجب بزرگترین آسیب



زیست محیطی را به این منطقه وارد آورده است.

بر اثر انفجاری که در ناحیه تقلیل فشار گاز به وجود آمده فازهای پالایشگاهی ۱ و ۲ و چند تا از پتروشیمی‌ها تعطیل شدند. این پتروشیمی به عنوان خوراک دهنده پتروشیمی‌های دیگر عمل می‌کند و مجبورند که برای کنترل گازها و مواد شیمیایی و اینکه حادثه ناخوشایندتری پیش نیاید، شیرهای گاز را که به خط فلر ختم میشوند را تا آخر باز کنند و آتشی نزدیک به ۲۰ الی ۳۰ متر بر بالای خط فلر همراه با دود غلیظ سیاهی فوران کند و صدای مهیب و ترسناکی به همراه خود دارد و با اینکه به جای آتش، فقط دود غلیظ بالا می‌آید. امروز یکی از مهندسين می گفت: شاید این وضعیت، تا یک ماه و یا بیشتر هم طول بکشد و تا وقتی که تعمیرات کامل واحد مربوطه انجام نگیرد این وضعیت همچنان ادامه خواهد داشت. در مورد علت این حادثه با یکی از دوستان که از نزدیک با یکی از مهندسين آن واحد پتروشیمی گفتگو کرده، می‌گفت که چون گمرک منطقه پارس جنوبی به واحد خصوصی واگذار شده است؛ در نتیجه بازرگیری برای صادرات مواد نفتی و پتروشیمی به سرعت انجام می‌گیرد و فشار بر روی واحدهای تولیدی زیاد است و به همین خاطر فرصت چندانی برای تعمیرات خرابیهای پایپینگ و ساپورت و... نمی‌گذارند و خواهان تولید بیشتر و سریعتر می‌گردند تا به سود بیشتری دست بیابند. فشار گاز اوره به حدی زیاد بود که تا ۲۰۰۰ متر فقط پرتاب میشد و ساپورت‌های لوله را از جای کنده بود. و افزایش فشار گاز در همین واحد پتروشیمی باعث چنین حادثه جبران ناپذیری شده است و در این میان طبق گفته کارگران تعداد ۶ نفر در این حادثه کشته شدند و چند نفری هم زخمی و ناکار شدند. در اینجا نیز رد پای سیستم خصوصی سازی و بیمانکاری را می‌بینیم که چگونه برای افزایش سود خویش، به استانداردهای پیش رو دقت نمی‌کند و با فشار کاری بی‌جهت، سرمایه‌های مادی و انسانی سرزمینمان را به باد میدهد. پرسشی که در این میان در اولین مورد در ذهن توده مردم می‌آید این است که چگونه این گونه آتش سوزی‌ها در مدت زمان کم و در واحدهای پتروشیمی بوعلی ماهشهر، کرمانشاه، گچساران، پارس جنوبی عسلویه و... اتفاق می‌افتند؟! به یاد داشته باشیم که سال گذشته نیز در یکی دیگر از پتروشیمی‌های ماهشهر، زنده یاد شهرام محمدی با فدا کردن جان خود و بستن لوله‌های گاز که نشت کرده بودند جان هزاران کارگر پتروشیمی را نجات داده بود. بهتر است مسوولین کشورمان جان انسانها و کارگران و سرمایه‌های مادی کشور را فدای سود سرمایه‌داری نکنند و به یاد داشته باشند که فقط در سایه توجه به استانداردهای ایمنی و انسانی است که میتوانیم اقتصاد پویا و مدرن داشته باشیم؛ نه رقابت برای افزایش سود دهی و تلف کردن سرمایه‌های کشور... با سپاس از تمامی کارگران پرشور سرزمین



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

گزارش خبرنگاران پیام سندیکا در ذوب آهن اصفهان



## مشکلات بازنشستگان ذوب آهن اصفهان

بازنشستگان ذوب آهن که به دلیل کار سخت و توان فرسا، فرسوده و فرتوت شده اند و امروز نیاز به درمان دارند، متأسفانه با صندوقی خالی و وعده های توخالی مسوولین مواجه اند. با اعلام تبصره ۶ ماده ۷ برنامه ششم توسعه مبنی بر لزوم ادغام صندوق فولاد در صندوق بازنشستگی تامین اجتماعی موجب نارضایتی بازنشستگان صنعت فولاد را فراهم آورده است و از سالهای گذشته مطالبات مزدی پرداخت نشده دارند. ما به التفاوت ۱۲ درصدی افزایش مستمری ها هم در چهارماهه سال جاری به درستی اعمال نشده است. بیشتر قراردادهای صندوق درمانی این بازنشستگان با مراکز درمانی مختلف لغو شده است و در حال حاضر امکانات درمانی و بهداشتی بازنشستگان فولاد بسیار محدود و بی کیفیت است. بیماری های صعب الاعلاج تاکنون شماری از این بازنشستگان را به کام مرگ کشانده است. هزینه های درمانی بالا و بی پولی این بازنشستگان که سر پیری قرار بود صندوق درمان ذوب آهن عصای دست شان باشد، آنها را با مشکلات فراوانی روبرو ساخته است. در شرایطی که مطالبات معوقه پرداخت نشده بازنشستگان زندگی را بر آنان سخت نموده است، بحث ادغام در تامین اجتماعی بر نگرانی و نارضایتی بازنشستگان دامن زده است. کارگری می گوید: جوانی را پای کوره های ذوب و در شغلی بسیار سخت و زیان آور سپری کردیم و بسیار جای تأسف دارد که حالا در سنین پیری، مسئولان قصد دارند امکانات و مزایای شغلی ما را با پیش کشیدن این بحث ادغام سلب کنند. بازنشستگان ذوب آهن اصفهان خواهان صندوق درمان خود هستند و معترض ادغام شدن در سازمان تامین اجتماعی هستند.

## خواسته های کارکنان؛

### مدیریت سفارشات و کنترل کالا در ذوب آهن

- ۱- چرا مدیران از رسیدگی و سرکشی به بخش های مربوطه تحت نظارت خود و اطلاع از مشکلات کارگران و کارکنان پرهیز می کنند.
- ۲- چرا گروه جانبازی کارگرانی را در حال بازنشستگی هستند امروز و فردا می کنند؟
- ۳- با توجه به دستمزدهای حقیرانه مصوب وزارت کار و محیط کاری سخت و پرحادثه ذوب آهن، چرا صندوقی برای حمایت از کارگرانی که دچار بیماری و حادثه می شوند درست نمی کنند تا به حمایت و کمک این افراد بیاید؟
- ۴- سختی کار و اضافه کاری این بخش با توجه به فعالیت فیزیکی در این بخش بسیار اندک است. مسوولان رسیدگی کنند.
- ۵- لطفاً برای سال آینده ویلاهای انزلی و چادگان را برای کارگران و کارکنان رایگان نموده و برای



- تامین مخارج این ویلاها برای افراد غیر ذوب آهنی پولی کنید.
- ۶- شایعاتی در این بخش وجود دارد که قرار است کارگران قرارداد معین به بخش پویش صنعت منتقل شوند که باعث کم انگیزه شدن و استرس کارگران شده است. گزارش خبرنگار پیام سندیکا از خواسته های کارگران ذوب آهن:
- ۱- چر لباس کار مرحله دوم را به تعمیر کاران در بخش مدیریت تولید و توزیع برق نمی دهند؟
  - ۲- رزرو ویلاهای چادگان برای بازنشستگان و کارگران امسال بسیار دشوار و مشکل آفرین بود و خواستار رفع این مشکل برای استفاده راحتتر از این ویلاها هستیم.
  - ۳- استخرهای ابودر، انقلاب، مرورید اصفهان و تختی زرین شهر بسیار شلوغ بود و کارگران امیدوارند این مشکل برای سال آینده رفع گردد.
  - ۴- مشکل همیشگی کارگران ذوب آهن در مورد پرداخت نشدن به موقع هزینه های پزشکی توسط بیمه تکمیل درمان بوده و خواهان رسیدگی فوری و حل این موضوع هستیم.
  - ۵- هزینه های درمان فیض اله یزدانی ساکن روستای کچوبیه و ارسال هزینه های حق پرستاری را پرداخت کنید
  - ۶- پیگیری کارت ابتلا به بیماری های صعب العلاج همکار گرامی عبدالرضا جعفری که ناشی از کار بوده تهیه و به ایشان داده شود.
  - ۷- بیمه تکمیلی درمان، پدران و مادران کارگران رانیز تحت پوشش قرار دهد.
  - ۸- چرا تعداد ایمپلنت دندان برای خانواده کاهش یافته است؟ و بر اساس قرارداد بیمه تکمیل درمان صورت نمی گیرد؟
  - ۹- غذا دادن در رستوران باید به نحوی باشد که هر روز تا آخر وقت همان روز غذا موجود باشد.
  - ۱۰- چرا واکسن آنفلوانزا زیر پوشش بیمه تکمیل درمان نیست؟ متاسفانه مدیریت بیمه و اموال شرکت که باید حافظ منافع کارگران باشد در نهایت تعجب اعلام کرده که چون مریمی آنفلوانزا و واکسن آن از عوامل پیشگیری هستند و نقش درمان را ندارد از شامل تعهدات بیمه ای نمی شود. آیا این استدلال درست است؟ در حالی که زدن واکسن باعث کمتر بیمار شدن کارگران شده و کمتر به مرخصی استعلاجی خواهند رفت. به نظر مدیران شرکت مریم شدن کارگران و نیامدن به سرکار منافع شرکت را تامین می کند یا زدن واکسن؟
  - ۱۱- چرا قوانین و مقررات عمومی حاکم بر شرکت برای کارکنان و کارگران اطلاع رسانی نمی شود؟
  - ۱۲- کارگران قرارداد معین بعد از تبدیل وضعیت متاسفانه مدارک تحصیلی و تجربه کاری آنها محاسبه نشده و گروه شغلی پایینی دارند
  - ۱۳- اضافه کار کارگران شیفت در برخی موارد که دیگر همکاران در مرخصی هستند اعمال نمی شود و این اجحاف بزرگی در حق ماست
  - ۱۴- شرکت از کمبود منابع مالی می گوید ولی از حیف و میل منابع مالی هیچ نمی گوید. از جمله



می توان به قطره ای نشدن آبیاری فضای سبز قسمت های کارخانه گفت. مصرف کاغذ و کپی کارخانه در نتیجه کاغذبازی اداری زیاد است و می توان صرفه جویی کرد با کامپیوتری کردن کارهای اداری. ۱۵- برای جلوگیری از هدر رفتن منابع شرکت لطفا بر نامه ای برای تفکیک زباله خشک و تر و باز یافت آن ارایه کنید.

۱۶- لامپ های اضافی در اتاق مدیران در روز روشن است چرا؟

۱۷- مقدار زیادی کک یا سایر مواد اولیه به خاطر آب بند نبودن کامیون های حمل در داخل شرکت ریخته می شود. چرا مسوولین به فکر چاره نیستند؟

## مشکلات کارگران آگلومراسیون ذوب آهن:

۱- در یافتی های کارگران این بخش کم بوده و باعث فشار روحی و روانی به خانواده ها شده و طبعاً بر روی انگیزه های رشد بهره وری هر کارگری اثر گذاشته است. دستمزد کارگران باید متناسب با کارشان باید باشد.

۲- چرا مدیریت در خصوص بدهی های شرکت به کارگران توضیح نمی دهد

۳- طبق قوانین، تبدیل وضعیت به قرارداد کارمین باید با گروه و کار همسان باشد. ولی در این قسمت افراد بین ۲ تا ۳ گروه تنزل دارند چرا؟

۴- کارگران خواهان پاسخ مدیران به پرسش هایی که تاکنون مطرح شده است، هستند.

۵- متاسفانه پرسنل اتاق فرمان با حکم اپر تور فرمان، کار دیسپا چری و هماهنگی با کلیه قسمت های کارخانه را انجام می دهند

۶- چرا کارگران با تجربه این قسمت در تبدیل وضعیت قرارداد کار معین برای کار غیر مرتبط به بخش های دیگر منتقل می شوند. در صورتی که چنین نیرویی در همین بخش مورد نیاز است.

۷- کارگران قرار داد معین با توجه به داشتن تجربه بالا و مدرک تحصیلی معتبر همچنان دارای گروه پایین شغلی هستند.

۸- کارگران بهره برداری دارای کاری بسیار سخت و آلوده بوده و این افراد پس از ۱۵ الی ۲۰ سال کار دچار صدمات جسمی می شوند. متاسفانه مدیریت بخشی از کارگران دارای محدودیت را مازاد و اضافه دانسته و این کارگران کارشان را از دست می دهند. چرا باید نوع مدیریت و نگرش در بین مسوولین رواج داشته باشد.

۹- چرا مسولین به فکر صرفه جویی نیستند؟ مدیران می توانند در صرفه جویی برق و استفاده از لامپ های کم مصرف اقدام کنند.

۱۰- چرا سختی کار کارگران طرح قائم که چند ماه است برقرار شده و قبل از آن در حدود ۲۰ ماه، سختی کار و گروه این کارگران پرداخت نشده است.

۱۱- در طرح قائم مدیریت آگلومراسیون که با کمبود نیروست اراده ای هم برای تکمیل نیرو ندارند. متاسفانه به کارگرانی که وظایف محوله را به بهترین وجه انجام می دهند، گروه شغلی ایشان درست محاسبه نمی شود

۱۲- کارگران اپراتور آبرسانی این قسمت در گروه شغلی متصدی انرژی و سیالات با گروه شغلی ۶ محاسبه شده اند. در صورتی که قبل از تبدیل وضعیت، گروه شغلی بالا و دریافتی بیشتری داشتند.



## خلاقیت کارگران ذوب آهن

۱- پس از راه اندازی کوره بلند شماره ۳ در تابستان ۸۸ و انجام گراف های تعمیراتی و تعویض قطعات و تجهیزات سیستم بارگیری و عدم پشتیبانی و تمین تجهیزات از سوی شرکت سازنده ، با خلاقیت کارگران مکانیک ذوب آهن در بخش کوره بلند با کاهش زمان تعویض شوت تغذیه کننده سیستم از ۱۸ ساعت به ۱۲ ساعت و سپس ۶ ساعت و تعویض در پیچه های MCG و ISV و بومی سازی آن بدون حضور کارشناسان خارجی این تعمیرات به نحو احسن و با زمان کمتری انجام پذیرفت.

ماز مدیریت ذوب آهن انتظار داریم همانطوریکه کارگران خلاقیت و توان خود را به کار می گیرند تا با صرفه جویی در منابع مالی و زمان بری تعمیرات به نفع شرکت قدم بردارند مدیریت هم باید در مورد پاداش و افزایش دستمزد این کارگران و سایر کارگران تلاش کند. انگیزه و خلاقیت در مسیر تامین نیازهای مادی و روحی کارگران از جمله افزایش دستمزدها و رسمی نمودن کارگران صورت خواهد گرفت.

۲- یکی از انگیزه هایی که باعث رشد و شکوفایی هر مجموعه ای می شود ، انگیزه کارکنان و خلاقیت نهفته در آنهاست . به ویژه در صنعت .

با خلاقیت کارگران و کارکنان مکانیک تولیدات کک و مواد شیمیایی و به جهت صرفه جویی در منابع مالی ، امکان استفاده از پاکت گریفرانبار که در حوضچه رسوب باتری ۳ امکان پذیر گردید. از مدیرعامل آقای صادقی انتظار می رود که برای رشد دادن خلاقیت کارگران و کارکنان ذوب آهن به کارگران متخصص اعتماد کرده و برای این گونه کارها خلاقانه و بالا بردن انگیزه کارگران پاداش مناسبی در نظر بگیرند.



## دلایل ورشکستگی ذوب آهن:

کارخانه ذوب آهن که ۵۶ درصد سهامش متعلق به شرکت های سازمان تامین اجتماعی ( شستا ) می باشد به دلیل سومدیریت در ذوب آهن و وزاری قبلی به سمت ورشکستگی می رود. ذوب آهن سالانه ۳۰ درصد دیر کرد وام هایش را به بانک ها می پردازد. هر چند که مدیریت شستا در یک شگرد فریبکارانه تلاش کرد تا کارخانه های کم سود ده و زیان ده خود را به جای بدهی های ذوب آهن به بانکها بدهد که مورد قبول واقع نگردید. در حال حاضر مدیریت کارخانه اقدام به فروش زمین های این کارخانه نموده است تا شاید بتواند مسایل مالی اش را به روز کند. اما این تنها مشکل ذوب آهن نیست بلکه سالهاست که کارخانه نوسازی و بازسازی نشده و متاسفانه به دانش روز هم مجهز نیست و این باعث افزایش هزینه های تولید شده است و امکان رقابت را از کارخانه گرفته است.

مشکل دیگر نداشتن خریدار ایرانی است که مافیای واردات و پدخواننده های فولاد قصد نابودی این کارخانه را با واردات از چین و هند و روسیه تکمیل می کنند. ما نظر خوانندگان را به چند خبر جلب می کنیم:

خبر اول: در سال جاری قرارگاه خاتم ۵۰ هزار تن ریل از هندوستان خریداری کرده است.

خبر دوم: راه آهن سراسری ۱۰۰ هزار تن ریل از هند و کره خریداری کرده است.

خبر سوم: رشد واردات میلگرد، ورقه های فولادی، تیر آهن به کشور.

آیا دولت و وزیر راهش و وزیر صنایع اش نمی توانستند این خریدها را از ذوب آهن برنامه ریزی کنند؟

سرمایه سالاران مافیایی و بویژه مافیای مالی که در کارخانه های تولیدی و دولت نفوذ کرده است از خرید محصولات آهنی از کارخانه های فولاد و ذوب آهن طفره می روند. و این در حالی است که در منطقه خاور میانه تنها کارخانه تولید فولاد و مشتقاتش هستیم.

متاسفانه مدیران بی لیاقت در سطح کلان و بویژه وزرای قبلی و فعلی نتوانسته اند موضوع خرید از این کارخانه های استراتژیک و مادر را برنامه ریزی کنند.

وزیر راه تمایلی برای خرید ریل از ذوب آهن ندارد. وزیر صنایع نمی تواند کارخانه های ماشین سازی و واگن سازی ها را مجاب به خرید ورق های فولادی از کارخانه های فولاد و ذوب آهن بکند و در این مورد مافیای مالی که از واردات سودهای افسانه ای برده است، کارشکنی های اساسی می کند.

در حال حاضر بخشی از تولیدات ذوب آهن در اسپانیا، قبرس، بلژیک فروخته می شود اما این محصولات را مافیای مالی در ایران خریداری نمی کند.

## مشکلات مالی ذوب آهن از کجانشی می شود؟

کارخانه ذوب آهن اصفهان کارخانه منحصر به فردی است که در خاورمیانه وجود دارد و تولیداتش می تواند خاورمیانه را تامین کند. متأسفانه به دلیل بی لیاقتی مدیران قبلی و وزری بی دانش رو به ورشکستگی می رود.

یکی از مشکلات مالی این مجموعه به دلیل خریداری نکردن محصولاتش توسط صنایع داخلی و واردات فولاداز هند و چین می باشد.

البته نباید موضوع بازار یابی برای محصولات فولادی ذوب آهن را در خارج از کشور از نظر دور داشت. موضوعی که به تازه گی در مدیریت فعلی ذوب آهن از اولویت ها قرار گرفته است.

برای حل مشکل مالی ذوب آهن سندیکای کارگران فلز کار مکانیک به دولت پیشنهاد می دهد که وزرای راه و صنایع خرید های فولادی خود را از ذوب آهن در صدر خریدها قرار داده و طبق مصوبه ای از کارخانه های زیر نظر خود بخواهد که کالاهای مورد نیاز خود را از ذوب آهن تهیه کرده و از خریداز دلان خوداری کنند.

همچنین آقای صادقی مدیرعامل ذوب آهن باید برای خلاقیت کارکنان پاداش های چشم گیری در نظر بگیرد. همچنین با امار درست از انبارها، قطعاتی را که قابل استفاده است را به جای فرستادن به انبار آهن قراضه ها جدا نموده و مصرف و یا تبدیل به احسن کنند. همچنین با استفاده از خلاقیت و پیشنهادات کارگران قطعات را تعمیر نموده به خط تولید باز گردانند. مانند پاکت های گریفر انبار. همچنین کسانی که با دلان زد و بند کرده و قطعات سالم را از انبار به ضایعات آهن قراضه می فرستند بر خورد قاطع نموده و نظارت شدید بر خرید ماموران خرید شرکت داشته باشند. همچنین با فشار بر وزارت بازرگانی از محصولات بی کیفیتی که به نام ذوب آهن به فروش می رود جلوگیری کنند.



## گزارشی از کارخانه سینا دارو

به گزارش پیام سندیکا کارخانه سینا دارو با داشتن ۴۳۰ نفر کارگر و کارمند به تولید دارو مشغول است. این کارخانه جزو کارخانه هایی است که با برداشته شدن تحریم ها توانست با بستن قراردادهایی با آلمان به نوسازی کارخانه مبادرت ورزیده و با تمام توان تولید کند. در این کارخانه بیش از ۱۰۰ کارگر پیمانی شاغل هستند که توسط یک شرکت تامین کننده نیروی انسانی به شرکت آورده شده اند. این کارگران از مزایای دیگر مانند پاداش افزایش تولید برخوردار نیستند. فاجعه آنجاست که هر ماهه ۱۲ درصد از حقوق این کارگران به جیب این شرکت پیمانکاری می رود. دوم هر ماه حقوق این کارگران به شرکت پیمانکار داده می شود و پیمانکار هم با کسر ۱۲ درصد از حقوق این کارگران بعد از ۲۰ روز حقوق کارگران را می دهد. اگر هر کارگر با اضافه کاری چیزی حدود ۱ میلیون و سیصد هزار تومان حقوق بگیرد هر ماهه ۱۵۰ هزار تومان از این پول را شرکت پیمانکار بر می دارد

به این دزدی آشکار چه می توان گفت؟!!!!



## گزارش خبرنگاران پیام سندیکادر ایران خودرو پرسشهای کارگران ایران خودرو؛



با توجه به گزارش سالیانه هیات مدیره ایران خودرو و اعلام اینکه سود سهام ۵ ریال بوده است کارگران می پرسند:

۱- فروش بالای ایران خودرو در این چند سال اخیر که سودآوری بی اندازه برای شرکت داشته است، کجاست؟

۲- آیا این ۵ ریال سود سهام، یک دلیلش حقوق های نجومی نیست که مدیران ایران خودرو می گیرند؟  
۳- سود سهام ۵ ریالی چقدر باعث سیاست های مدیران ایران خودرو بوده است؟ چه کسی باید این موضوع را پیگیری و اثبات کند؟

۴- با توجه به مخالفت مدیریت قبلی آقای منطقی با سرمایه گذاری در آذربایجان، و نزن و نلا سوریه و ... چقدر از این زبان شامل این سرمایه گذاری غلط بوده است؟

۵- در حال حاضر ماشین آلات و سوله های سرمایه گذاری ایران خودرو در کشورهای فوق در چه حالی هستند و مدیریت برای تبدیل این سرمایه گذاری و استفاده بهینه چه تصمیمی گرفته است؟

۶- شنیده می شود که سوله های سرمایه گذاری شده در این کشورها تبدیل به انبار کالای مترو که شده است؟ آیا این شنیده هادرست است؟

۷- مدیریت فعلی برای این تصمیم غلط چه هزینه ای پرداخته است؟ آیا فقط باید این زبان از جیب کارگران و کارکنان و سهام داران به باد رود؟

مانظر ریاست جمهوری و وزیر صنعت و هیات مدیره را به این موضوع جلب کرده و خواستار توضیح در این مورد هستیم.

## قرارداد بنز با ایران خودرو



۱- بعد از بسته شدن قرارداد با شرکت بنز در سال جاری تعداد ۳۰۰ دستگاه بنز E۲۰۰ از سوی ایران خودرو خریداری و به شرکت ستاره ایران که نمایندگی فروش و خدمات پس از فروش محصولات بنز میباشد و زیر مجموعه ی ایران خودرو است داده شد، که بدون هیچ گونه عملیات فنی به فروش رسید.

آیا تمام قرارداد با شرکت بنز اینگونه است؟ آیا در قرارداد قید نشده است که کارخانه بنز باید در کارخانه ایران خودرو خط تولید راه اندازی کند؟ یا فقط قرار است شرکت ایران خودرو به واسطه ای برای فروش و خدمات پس از فروش شرکت بنز تبدیل شود؟

**منتظر پاسخ مدیریت ایران خودرو می مانیم.**

۲- تولید شرکت ایران خودرو، از ابتدای امسال تا آخر مرداد ۹۵ از مرز ۲۴۵ هزار دستگاه گذشت. با افزایش چشمگیر تولید نسبت به مدت مشابه سال قبل، و نیز شکسته شدن رکورد تولید روزانه، و آغاز تعطیلات تابستانی در اوایل شهریور ماه، هیچ مبلغی بعنوان رکورد و یا پاداش تولید، از سوی مدیر عامل، برای کارگران سختکوش و زحمتکش، اعلام نشد.

## حادثه در ایران خودرو

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا؛ متاسفانه سرویس کارگری که ساعت ۸ صبح کارگران شب کار ایران خودرو را به مقصد کرج می برد در بین راه واژگون شده است. در این حادثه تاکنون یک کارگر کشته و تعدادی هم مجروح شده اند.

ماضمن تسلیمت به خانواده این کارگر و آرزوی بهبودی برای کارگران حادثه دیده ، اعلام می کنیم وقتی فشار کاری در شرکت ایران خودرو از حد استاندارد خود خارج گردد، چنین حوادثی قابل پیش بینی است.

**کلیه مسوولیت این حادثه بر عهده مدیران شرکت و بخصوص مدیر ترابری بوده و باید هر چه زودتر موضوع رسیدگی و قصور مدیران خاطی به کارگران اعلام گردد.**

۹۵/۶/۳۰

روابط عمومی سندیکای کارگران فلز کار مکانیک



## دلالتان خودرو ساز

در کشور ما خودرویی به نام سابرینا در خیابان ها تردد می کند که ادعا می شود تولید داخلی است. این تولید داخلی دارای سه شماره شاسی است!! تولید کننده این خودرو معلوم نیست چه کارخانه ای است و ۴۰۰۰ دستگاه از آن در حال شماره گذاری است.

این خودروها توسط یک شرکت دلالتی وارد ایران شده است که هیچکس جرات به زبان آوردن نامش را ندارد. وزارت صنعت که متولی این فریبکاری است و اجازه شماره گذاری و واردات این خودرو را داده است می گوید این خودرو تولید داخلی است. اما فروشندگان می دانند که این خودروهای چینی وارداتی به هیچ وجه تولید داخل نیستند. گمرک می گوید این ماشین ها از مجرای گمرک وارد نشده اند.

اجازه وزارت صنعت برای واردات خودرو از اسکله های غیرقانونی و شماره گذاری خودروهایی که لاستیک هایش به سال ۲۰۱۲ تعلق دارد به نام خودروی تولیدی ۲۰۱۶ که در حال فروش رفته هستند با اقتصاد مقاومتی قرابتی دارد و یا اقتصاد مقاومتی همین است؟

پرسش از وزیر صنعت این است : این فریبکاری را چه کسانی از مافیای دلالتی برنامه ریزی و با وزارت صنعت هماهنگ کرده است؟

## گزارش خبرنگاران پیام سندیکا از وضعیت کارگران ساختمانی

### بیمه کارگران ساختمانی

مشکل بیمه شدن کارگران ساختمانی یک طرفه، تمدید آن داستان دیگری است. به تازه گی شعبه ۲۴ تامین اجتماعی برای تمدید بیمه کارگران ساختمانی دست به ترفند جدیدی زده است. تامین اجتماعی برای تمدید بیمه کارگران آنان را مجبور می کند تا کارت مهارت فنی بگیرند. امتحان مهارت فنی کارگران که در محل کار انجام می شود و کارشناس وزارت کار نیز حضور دارد، پس از تایید به کارگر ساختمانی گفته می شود که به انجمن صنفی مراجعه و با پرداخت حق عضویت برای تمدید بیمه اش به شعبه ۲۴ مراجعه کند. کارگران هم پس از مراجعه به انجمن صنفی کارگران ساختمانی و پرداخت ۸۰ هزار تومان حق عضویت به انجمن صنفی به بیمه مراجعه کرده تا بیمه اش تمدید شود.

اینکه عضویت در انجمن صنفی برای تمدید بیمه کارگران ساختمانی در کجای قانون آمده است برای کارگران و فعالین سندیکایی آشکار است که چنین قانونی وجود ندارد. اما جالب این جاست که چرا فقط این شعبه ۲۴ درخواست چنین روندی را دارد و از این ۸۰ هزار تومان چه کسانی نصیب می برند؟

البته در سال گذشته هم ما شاهد بودیم که کارگران ساختمانی در شهریار و رباط کریم و قلعه حسن خان با ترفند عضویت در انجمن صنفی دارای بیمه خواهند شد، نیز سر کیسه شده اند و از بیمه هم خبری نیست.

البته از تشکل های وزارت کار ساخته بیش از این توقعی نیست.

### شرکت های ساختمانی

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا: یکی از شگردهای این روزهای شرکت های ساختمانی چه در تهران و چه در عسویه و در جای جای ایران دیر پرداخت کردن دستمزد کارگران است. در شرکت های ساختمانی دیر دادن سه ماه حقوق کارگران به یک امر عادی تبدیل شده است. به عنوان نمونه شرکت هاب بزرگ ساختمانی که در اتوبان تهران کرج و در مجاورت دریاچه چیتگر فعالیت های ساختمانی می کنند و در سایر شهرستان ها هم پروژه دارند با دیر پرداخت کردن حقوق کارگران حداقل سه ماه و گاه ۵ ماه به سود های افسانه ای دست پیدا می کنند. شرکت .... که در تهران ۲ پروژه و در خارج از تهران ۳ پروژه هم زمان را پیش می برد ۸۰۰ کارگر و مهندس برایش کار می کنند. اگر متوسط دریافتی این کارگران ماهانه ۱ میلیون و نیم باشد، ماهانه ۱ میلیارد و دویست میلیون تومان شرکت باید به کارگانش پرداختی داشته باشد. وقتی ۳ ماه این حقوق را دیر پرداخت می کند، ۳ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان همیشه دستمزد کارگران را نزد خود بلوکه کرده است و تازه در ماه چهارم اولین حقوق را کارگر دریافت می کند.

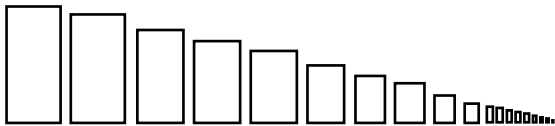
سود این ۳ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان حقوق بلوکه شده کارگران ماهانه چقدر می شود؟

با این دزدی اشکار را چرا دولت و وزارت کار بر خورد نمی کنند؟

## گزارش خبرنگار پیام‌سندیکا از کارخانه‌های سیمان



پس از ذوب آهن، فولاد، نیشکر هفت تپه، صنایع قندی، نساجی، کفش و چرم، پوشاک... حالا نوبت ورشکستگی به کارخانه‌های سیمان رسیده است. کارخانه‌های سیمان سراسر کشور ورشکسته شده و بخشی از آنان مانند کارخانه سیمان لرستان تعطیل گشته‌اند. از سه سال قبل که سیمان فله تنی ۱۲۳ هزار تومان به فروش می‌رسید، صنایع سیمان کشور در یک اقدام هماهنگ قیمت تولیدات خود را در هر تن به ۷۷ هزار تومان پایین آوردند و این در حالی بود که هزینه تمام شده سیمان در هر تن ۹۰ هزار تومان است. این اقدام نابخردانه که از سوی سرمایه داری مالی برنامه ریزی شد، ورشکستگی کارخانه‌های سیمان را کلید زد.



گزارش خبرنگار پیام‌سندیکا از مشکلات رانندگان تاکسی:



## چرا تعاونی رانندگان تاکسی را از بین بردند؟

از سال ۱۳۸۴ که اتحادیه و به دنبال آن تعاونی رانندگان تاکسی توسط رانت خوران و مافیایی تاکسیرانی از بین رفت، تاکنون هیچ مرجعی به دارایی‌های اتحادیه و تعاونی رانندگان با آن عظمت که با حق عضویت آنان شکل گرفته بود، رسیدگی نکرده است. آیا رانندگان تاکسی که صاحبان و سهام داران اصلی این دو نهاد بودند نباید بدانند که این اموال که فقط بخش کوچکی ۱۵ درصد سهام کارخانه لاستیک سازی دنا است به چه مصرفی رسیده است؟ متأسفانه مدیران این شرکت‌های خصوصی در روند انتخابات با شگردهای فریبکارانه باندهای خود را به هیات مدیره تاکسیرانی برده که تاکنون هیچ اقدامی برای بهبود و رفاه حال رانندگان نکرده‌اند.

چرا باید برای تعویض خودروهای فرسوده از راننده تاکسی بیش از ۵ برابر قیمت اصلی خودرو گرفته شود؟ چرا اقساط این خودروها باید آن قدر کمر شکن باشد که راننده تاکسی دیگر روی خانه و زن و فرزند نبیند و به ماشین خواب تغییر نام بدهد؟ چرا عدم پرداخت بیمه رانندگان پیگیری نمی‌شود و چرا این شرکت‌ها با تامین اجتماعی تسویه نمی‌کنند؟ دوستان راننده، تعاونی رانندگان تاکسی و اتحادیه را نابود کردند تا این اجحافات رنگ قانونی به خود بگیرد.

ما خواهان بازگشایی اتحادیه قدیمی و رسیدگی به اموال اتحادیه و تعاونی که از اندوخته‌های ما و پدرانمان شکل گرفته، هستیم. ما خواهان فعال شدن تعاونی به دست نمایندگان واقعی رانندگان بوده تا باز هم مانند گذشته لاستیک خوب و با کیفیت و ارزان، روغن مرغوب و با قیمت مناسب و جایگاه‌های تعمیر تاکسی با نظارت فنی رانندگان با سابقه را داشته باشیم.



## سرمایه گذاری در نظر آباد کرج

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا: یک سرمایه گذار ترکیه ای در نظر آباد کرج جهت تولید پرده سرمایه گذاری نموده است. این کارخانه ۷۰ نفر کارگر که بیشترشان زن هستند را به خدمت گرفته است. این کارخانه که کلیه دستگاههای ترکیه ای است، با تولید پرده و فروش آن در خارج از ایران به سود خوبی دست یافته و برای گسترش کارخانه و افزایش تولید آن تلاش می کند.

این کارفرما تمامی حق و حقوق کارگران را طبق قانون وزارت کار پرداخت می کند و بویژه در خصوص اضافه کاری مبلغی بالاتر از قانون کار به کارگران می دهد. غذا در رستوران کارخانه با کیفیت عالی به کارگران داده می شود.

پرسش اینجاست چگونه سرمایه گذاران داخلی ادعا می کنند تولید به صرفه نیست و باید دستمزد کارگران کمتر شود تا برایشان صرف کند؟ چطور این سرمایه گذار که باید مانند آنها پول آب، برق، گاز، تلفن، مالیات، بیمه را بدهد برایش سوددهی خوبی دارد اما برای آنان نه؟؟ ما طرفدار سرمایه گذار خارجی نیستیم اما می خواهیم نشان دهیم که با برنامه ریزی و بازاریابی درست می توان هم به کارگران دستمزد خوبی داد و هم سود خوبی برد.

البته سندیکاهای کارگری می دانند که این سرمایه گذار ترک به دلیل اینکه در ایران کارگر ماهانه ۲۵۰ دلار تا ۳۰۰ دلار دستمزد می گیرد به ایران آمده و در ترکیه حداقل حقوق یک کارگر ساده بیش از ۱۲۰۰ دلار با ۸ ساعت کار در ماه می باشد. همچنین قیمت آب، برق، گاز با ترکیه قابل قیاس نیست و در آنجا گرانتر است. سرمایه گذار ترک حداقل در ایران ۳ برابر بیشتر از ترکیه سود می برد. ما امیدواریم که دولت مالیات بر درآمد و مالیات استفاده از منابع طبیعی ایران را از ایشان اخذ کند.

## راه اندازی کارخانه لوازم خانگی سامسونگ کره ای در ایران

به گزارش پیام سندیکا: امروز ۷ شهریور است. در راستای برگزاری هفته دولت یکی از طرح هایی که با سرمایه خارجی در ایران افتتاح شد کارخانه تولید یخچال و فریزر سامسونگ است. گفته میشود این طرح حدود ۳۰۰۰ کارگر را شاغل کرده و بر اساس آن ۵۰ درصد از لوازم این کارخانه تولید داخلی و ۵۰ درصد مابقی از کره وارد می شود. و قرار است هر سال ۱۰ درصد به توان دانش فنی تولید داخلی اضافه شود و به صورت خوشبینانه تا ۱۰ سال آینده خود کفا شویم.

البته آگاهان به لوازم خانگی می دانند که ۵۰ درصد فن آوری داخلی که در این کارخانه بکار گرفته می شود بیشتر بدنه سازی است و آنچه که مهم می باشد موتور و دستگاههای خنک کننده است که از کره وارد خواهد شد. همچنین هر دو سال فرم و شکل و دانش فنی جاری در تولید لوازم خانگی عوض شده و طی دهسال آینده که ما به خود کفایی برسیم فقط قادر خواهیم بود که کالای بنجلی را تولید کنیم. متأسفانه آنچه در این سرمایه گذاری فراموش شده است آمدن دانش روز به کشور است.

کارخانه های ارج، آزمایش، ایران پویا، ... با بیش از ۵۰۰۰ کارگر نه تنها راه اندازی و بازسازی و

حمایت نشدند بلکه با همت سرمایه داران دلال به محاق تعطیلی رفته تا سامسونگ ها بتوانند صنعت بومی ما را در اختیار خود بگیرند و به عنوان یک پروژه افتتاح شوند. چه منافعی باید حفظ شود تا کارخانه های ما بسته شوند تا سامسونگ ها جایگزین آنها شوند؟ نعمت زاده وزیر صنعت باید پاسخ گوید آیا با مدیریت درست نمی شد اراج و آزمایش و ایران پویا را که اعتبار دستان کارگران ایرانی بود را احیا کرد؟



## دانشجویان دندان پزشکی

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا : این هفته نیروهای جهادی دانشگاه تهران متشکل از دانشجویان دندان پزشکی برای معالجه دندان های مردم محروم خراسان شمالی و کرمانشاه به این مناطق رفته و بیش از ۳۰۰۰ نفر از مردم محروم منطقه را که فاقد حتما درمانگاه بودند را بصورت ضربتی و رایگان دندان هایشان را درمان کردند.

ما ضمن خسته باشید به این دانشجویان از مسوولین به خصوص وزیر بهداشت می پرسیم چرا بند ۱۲ از اصل سوم قانون اساسی مبنی بر «رفع هر نوع محرومیت در زمینه بهداشت و تعمیم بیمه» و همچنین اصل ۲۹ قانون اساسی که «خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت های پزشکی را حقی همگانی و از درآمدهای عمومی باید تامین کند» اجرایی نمی شود.

بیش از ۳۷ سال از انقلابی که قرار بوده بهداشت، مسکن، آموزش رایگان شده و فقر از چهره میهن عزیزمان زوده شود، می گذرد. قرار بود دیگر کسی به دلیل نداشتن پول از بیماری نمیرد ولی کو و چه شد؟ چرا تمامی پزشکان باید در مراکز استان ها متمرکز شوند؟ آیا روستاییان، مردم این کشور نیستند و نباید از پزشک، بیمارستان، بی نیاز باشند؟ این چه سیستمی است که بعد از ۳۷ سال هنوز روستاهایش فاقد پزشک و درمانگاه هستند؟ آیا خصوصی کردن درمان و بهداشت و یا همان پولی شدن نظام درمان باعث نشده است که پزشکان برای درآمد بیشتر در شهرها متمرکز شوند و از رفتن به نزد روستاییان فقیر امتناع کنند؟



## اخبار کارگری از شرکت واحد اتوبوسرانی

«به نام دادگر»

۱- در ماه های گذشته سرپرستان قسمت اجناس با کیفیت را شناسایی و برای خرید با مسوول خرید سامانه هماهنگ می کردند و تا حدود زیادی اجناس قابل استفاده و با کیفیت خریداری می شد. اما متأسفانه مدتی است طبق هماهنگی معاونت فنی سامانه یک و ریاست جدید تعمیرگاه، مسئول خرید از دور حذف و شخص امین خود «.....» به عنوان رابط معاونت و مسوول خرید انتخاب شده است. از زمان انتصاب این فرد اجناس بی کیفیت و با قیمت بالا از شرکت گواه با کد ۱۹۲۲، و اسنا خریداری می شود که کیفیت سابق را ندارد. برای مثال: فیلتر هوای کینگ با قیمت حدوداً ۳۵۰ تا ۳۶۰ هزار از گواه، و ۲۰۰ تا ۲۲۰ هزار تومان از اسنا خریداری میشود که قیمت اصلی ای فیلتر بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار می باشد. لازم به ذکر است گواه شرکتهای بوده که مدیریت دستور لغو خرید از این شرکت را به علت مناسب نبودن قیمت و عدم کیفیت را صادر کرده بودند. متأسفانه به دستور مدیر منطقه و معاونت فنی و رئیس تعمیرگاه مجدداً از این شرکت های گران فروش خرید آغاز شده است.

ما ضمن تذکره به مسوولین خواستار رسیدگی به این موضوع می باشیم.



۲- عکس بالا مربوط به خودروی شخصی است که بوسترها و کلیه های تعمیرگاه سامانه یک را برای تعمیر به بیرون از شرکت می برد. با توجه به افشای فاکتورهای بسیار بالای ایشان نسبت به تعمیر اجناس این سامانه و عدم رسیدگی و دقت بازرسی و حراست منطقه، متأسفانه مجدداً با همان روال قبل جهت تعمیر این قطعات از این شخص استفاده میشود. ما ضمن تذکره به مسوولین خواستار رسیدگی به این موضوع می باشیم.

### ۳- اجحافات می‌کند که بر کارگران شرکت واحد می‌شود!

طبق ماده ۶۵ قانون کار مرخصی سالیانه مشاغل سخت و زیان آور ۵ هفته می‌باشد که در شرکت واحد لحاظ نگردیده است.

پرسش از مدیران شرکت واحد این است آیا کارراندگان شرکت واحد جزو مشاغل سخت و زیان آور نیست و اگر که هست چرا این قانون در شرکت اجرایی نمی‌شود؟

صندوق ذخیره شهرداری از سال ۸۷ شروع به کسر مبالغی از دستمزد کارگران و کارکنان شرکت واحد کرده است. اما از مهرماه سال ۹۰ محاسبه می‌شود.

پرسش این است این سه سال چرا از قلم افتاده است و اصل پول این سه سال کجاست؟

ما از مدیران شرکت واحد به خصوص مدیرعامل می‌خواهیم که به این پرسش‌ها پاسخ بدهند

### ۴- یکی از معضلاتی که رانندگان خط یک و دو BRT با آن دست و پنجه نرم می‌کنند وجود

دست فروشان در مسیر حرکت اتوبوسها در پایانه آزادی می‌باشد که کل مسیر اتوبوسها را مسدود می‌کنند و گاهی این موضوع باعث درگیری بین دستفروشان و رانندگان این دو خط می‌شود.

مدیران محترم چرا فکری برای این موضوع نمی‌کنند؟

ما از مدیران شرکت واحد به خصوص مدیرعامل می‌خواهیم که به این پرسش پاسخ بدهد

### ۵- پس از افشای فیش‌های حقوقی مسئولین رده بالای سازمان و نهادهای دولتی و مدیران

بانکها، آرام آرام نوبت به افشای فیش‌های حقوقی مدیران شهرداری و سازمانهای تابعه آن از جمله شرکت واحد اتوبوسرانی رسید. اینکه سازمان عریض و طویل شهرداری تهران به چه جرات تا این اندازه لفت و لیس می‌کند و منابع شهرداری را که شامل املاک و زمینها و امتیازات ویژه را بذل و بخشش مدیران می‌کند، حکایتی تلخ از نبود نظارت مردمی (سازمانهای مردم نهاد مانند سندیکاها، کارگری) در کف و بدنه شهرداری و سازمانهای تابعه آن از جمله شرکت واحد دارد. سازمانی که با وقاحت تمام شروع به قلع و قمع چند دست فروش می‌کند و از طرفی اموال عمومی و دارائیهها و پولهای کلان خرج مدیران بی‌لیاقت خود می‌کند، چه پاسخ منطقی به این مردم دردمند دارد. کارنامه شهرداری تهران کاملاً مشخص است. اگر ایشان در طول این سالها خدمات مشخص و مثبتی انجام داده‌اند بسم الله رو کنند.

ما می‌پرسیم: شهردار تهران چقدر در جهت رفاه و آسایش و معیشت کارگران رده پائین در شهرداری به خصوص شرکت واحد تلاش کرده است؟

سالهاست کارگران شرکت واحد تهران از پایمال شدن حق مسکن خود داد و فغان سر می‌دهند و از مستاجری می‌نالند ولی آقای شهردار گوشش نمی‌شنود.

آقای شهردار کارگران شرکت واحد جزو ضعیف‌ترین و زحمتکش‌ترین اقشار جامعه تا کی باید در سرما و گرما فریاد بی‌مسکنی خود را جلوی شورای فرمایشی شهر و شهرداری سر دهند.

آقای شهردار بترس از آه و نفرین مردم مظلوم تهران. بترس از عصیان کارگران و زحمتکشان شرکت واحد که چیزی برای دست دادن ندارند.

از نظر شهرداری تهران، کارکنان شهرداری یعنی معاونین و مدیران مناطق ۲۲ گانه و شرکت تابعه

از جمله شرکت واحد می باشد نه کارگران و زحمتکشان این سازمان.  
کاش فالیباف ها به عاقبت شهرداران چه در زمان کنونی و چه در زمان شاه نگاهی بیفکنند!

❁ ۶- با توجه به بخشنامه باز خریدی انگیزشی که برای کارکنان شرکت واحد طراحی شده است و در حال حاضر دو سال است که شغاف در اتوماسیون شهرداری قرار دارد و تمام شرکتها در آن قید شده اند متاسفانه مدیران با عوض کردن و پنهان کردن این بخشنامه و درست کردن بخشنامه داخلی سر پرسنل با قیمت کمتر کلاه گذاشته و اصل ۴۴ را اجرا مینمایند

❁ ۷- سهمیه دو سال یکبار مسافرت کارگران را امسال به بهانه عدم تمدید و نداشتن بودجه به پرسنل واجد شرایط ندادند در صورتی که حداقل سه بار است که مسؤولین سامانه یک بابت تمدید قرارداد با هزینه هنگفت شرکت به مشهد مسافرت کردند.  
چه کسی جوابگو می باشد ما بارها از مدیران در این صفحه خواستار پاسخ گویی به این سوالات شده ایم ولی هیچگونه جوابی از آنان دریافت نداشته ایم

❁ ۸- با خبر شدیم در روز ۱۳ شهریور در توفقگاه سامانه ۵ راننده زحمتکش علی رامتین از راننده های واحد گشت در اثر حادثه ای چشم از جهان فرو بست. این حادثه که به دلیل غیر استاندارد بودن محل سوختگیری اتفاق افتاد، می توانست با ایمن شدن محل سوختگیری از آن جلوگیری نمود.

مطابق مواد ۹۵ و ۸۵ قانون کار، مسوولیت اجرای مقررات و ضوابط فنی و بهداشت کار بر عهده کارفرما و یا مسوولین واحدها خواهد بود و هرگاه بر اثر عدم رعایت مقررات مذکور از سوی کارفرمایان و یا مسوولان واحدهای تولیدی حادثه ای رخ دهد، شخص کارفرما یا مسوولان مذکور از نظر کیفی - حقوقی و نیز مجازات های مندرج در این قانون مسوول خواهد بود  
ما ضمن مقصر دانستن عوامل کارفرما در این حادثه به خصوص بخش بهداشت و ایمنی شرکت واحد، از مدیریت شرکت واحد خواستار عذر خواهی رسمی از خانواده مرحوم علی رامتین هستیم.  
کارگران سندیکایی شاغل در شرکت واحد با تسلیم به خانواده این راننده زحمتکش و داغدار، اعلام می کند پیگیر حق و حقوق این مرحوم خواهند بود.

### ❁ ۹- کارگران هیس مدیران در غارتند

کارگران حرف نزنید. حرکت نکنید. فقط و فقط کار کنید و تولید کنید. حتی به اطرافیان تان هم نیم نگاهی نکنید که چه میگردد چون باعث کاهش تولید میشود و سود کمتر گیر کارفرمایان می آید.

کارگر و راننده شرکت واحد فقط کار کند، مسافر جایجا کند، حرف هم نزند و دنبال حقوق از دست رفته خود نباشد. مسکن هم نخواهد حداقل معیشت آبرومند را هم نخواهد تا مدیران پاداش بیشتری بگیرند. چرا؟ چون حکم است کارگر از تولد تا مرگ کارگر باقی بماند و در فقر و نداری بسوزد.

مدیران نالایق شرکت واحد (کارفرما) می‌خواهند کارگران بیشتر از فقر در ناآگاهی نسبت به حقوق خود قرار بگیرند و قانع باشند. نسبت به حداقل ها دم زنند تا کارفرما و رانت خواران شرکت واحد ((مدیران و حراست)) راحت تر بخورند و ببرند و کسی هم دم زنند. اگر کسی هم حرفی بزند با انواع و اقسام فشارها و جابجائی ها روبرو خواهد شد.

مدیران فربه و چاق و چله شرکت واحد در مقابل هر اعتراضی بوسیله عوامل خود شدیدترین برخوردها را با کارگران دادند. چرا؟ چون پاسخ گو نیستند چون کسی حق سؤال کردن ندارد چه رسد به اعتراض. اگر کارگری هم بصورت فردی اعتراضی کند کارش با حراست و بازرسی و انواع تضییع هاست.

کارگر شرکت واحد کار کند حقوق بخور و نمیر بگیرد مدیران نالایق کار مغید نکنند و چندین برابر حقوق بگیرند. کجای این کار انصاف است!!!  
با امید روزی که این بی عدالتیها در شرکت واحد گوش شنوائی پیدا کند

### ❁ ۱۰- چرا مسئولان و مدیران شرکت واحد شرکت واحد عوض نمیشوند.

سالهاست شرکت واحد اتوبوسرانی از معضلی بنام مدیران مادام العمر و تام الاختیار رنج میبرد. مدیرانی که با استفاده از رانت و نفوذ بالادستی ها در شرکت واحد آمده اند و خون کارگران را می مکند و حقوقهای و پاداشهای آن چنانی میگیرند و به کسی هم پاسخگو نیستند چرا علیرغم تمامی اعتراضات نسبت به بعضی از افراد همچنان در پست های خود ابقا و نوعی دهن کجی به کارگران میشود. به عنوان نمونه مسئول توقفگاه غرب سامانه یک که توسط مدیریت وقت سامانه به منطقه فوق انتقال داده شد.

فرد مذکور نمونه کوچکی از این مدیران دون پایه و نالایق میباشد که با توجه به عدم آشنائی به ابتدائی ترین روش مدیریت با استفاده از روش چماق گونه اقدام به قطع اضافه کاریها، جابجائی، انتصابات و .....، عرصه کار را به عموم کارگران زحمتکش تنگ نموده است. شکی نیست که نامبرده طبق اوامر روسای خود عمل نموده و خواسته های آنان را پی میگیرد. شاید گزارشات از تخلفات مسئولین توسط سندیکا باعث برکناری متخلفان نمی شود؟ شاید در پس پرده بده بستان میان مسئولین و مدیریت در کار باشد؟ شاید دستورات از جاهای دیگر مزید بر علت میباشد؟

چه خوبست انتصاب کنندگان بصورت صافانه جوابگوی مخاطبان باشند زیرا در یک همه پرسی از شاغلین تمام قصورات انجام شده را متوجه مدیریت سامانه یک می دانند.

در پایان با توجه به اینکه در شرکت واحد هیچ نهاد و نظارتی به عملکرد مسئولین وجود ندارد و هیچ محل و کانونی برای ارجاع دادرسی کارگران نیست که شاهد این همه حق کشی نسبت به حقوق اولیه خود نباشند، بدیهی ست عواقب اینگونه کارشکنی ها و ظلم ستیزیها در آینده به عهده مسئولین مربوط میباشد.

❁ ۱۱- یکی از معضلات و مشکلات این روزهای مجموعه شرکت واحد به ویژه سامانه یک، صادر کردن دستورات خلاف عرف و قانون فقط و فقط در جهت منافع مسئولین می باشد که

خروجی آن اجحاف و تنش در حق کارگران گردیده و پس از اینکه توسط کارگران متضرر، اعتراضی به نحوه کار و عمل مسئولین می شود طی سنت همیشگی از حربه فعالیت سندیکا و واگذاری به بخش خصوصی صحبت به میان می آورند. به عنوان نمونه در یک اقدام منفعت طلبانه مسئولین فنی سامانه یک، ادغام بخشهای جلوبندی و ترمزی میباشد.

در حالی که طبق حکم، سیستم هدایت خودرو و طبق قانون ۳ کارگاه مجزا با حق سرپرستی طراحی شده است. ۱- ترمزی ۲- جلوبندی و هیدرولیک فرمان ۳- کمپرس یا پنوماتیک

سؤال اینجاست: آقایان مسئول با ادغام این دو بخش حق و حقوق پرسنل چه میشود؟

آیا سرپرستان این دو قسمت طی ادوار گذشته از گرفتن حق سرپرستی، همچنان برخوردارند؟ مگر نه اینکه یکی از مهمترین وظایف سرپرستان کارگاهها، اشراف بر کار و نظارت بر حسن انجام کار میباشد؟ با ادغام کردن این دو کارگاه و مسئولیت دادن به افرادی که فاقد تخصص میباشند و اجبار آن توسط مسئولین به کار بر خلاف نپرداختن حق پست، آیا صحیح است؟

این سوء استفاده نیست؟ پس چیست؟

حق پست کارگاه جلوبندی در اختیار آقای (ع م) میباشد که اصلا در چارت تعمیرگاه و در آن قسمت اشراف نداشته و در قسمت دیگری شاغل می باشد که این خود گوشه ای از تخلف مسئولین مربوطه میباشد. در صورت بروز خسارت (از جمله لاستیک سابی فراوان و خرابی پی در پی لاستیکها صدای جلوبندی و به تبع آن خراب کردن کمک اطاق و در نهایت پایه خمره ای) توسط افراد فاقد تخصص انجام گرفته، تکلیف چیست؟

چه کسانی دستور این کار را میدهند و هدفشان از این کارهایی که باعث ضرر دهی شرکت و توقف و رکود در امر حمل و نقل می گردد، چیست؟

همچنان منتظر جواب دهی مسئولین ذیربط در خصوص اقدامات صورت گرفته میباشیم.

---

❁ ۱۲- خط شبانه سامانه یک که با تعداد ۳۰ دستگاه اتوبوس شهاب به شرکت ایمن سیر هویزه واگذار گردیده است. در مورخه ۲۵ شهریور روز پنجشنبه ۲ دستگاه اتوبوس یانگ من بشماره های ۷۹۸۹۸ و ۷۹۹۱۱ که متعلق به بخش دولتی میباشد اقدام به جابجایی مسافر و درآمدزایی در خط شبانه توسط مسئولین سامانه یک نموده است.

به دستور چه کسی از بیت المال هزینه شده است؟ و درآمد این کار به جیب چه کسانی رفته است؟

چرا مسئولین حراست و بازرسی همچنان چشم و گوش خود را نسبت به تخلفات مجموعه سامانه یک بسته نگه میدارند؟

در حالیکه کارگران محروم از حق مسکن جهت گرفتن حق خود به جلوی شورای شهر و شهرداری میروند با احضار و نشان دادن عکسهای گرفته شده توسط عوامل حراست اقدام به جابجایی، تغییر شیفت و ساعت کاری مینمایند و ایجاد رعب و وحشت می کنند اما در مورد این گونه تخلفات ساکت مانده اند؟

آقایان مسئول کمی بخود آمده و در قبال این گونه اعمال خلاف واکنش نشان دهید. و بدانید کارگران سندیکایی چشمان تیزبین منافع کارگران و افشاکننده سواستفاده کنندگان هستند.



## گزارش خبرنگار پیام سندیکا از معضل پشه های سفید در تهران

چندسالی است که خیابان های تهران بخصوص بخش های مرکزی و جنوبی از میدان ولی عصر به پایین مورد هجوم پشه های سفید در فصل تابستان قرار گرفته است. مردم بخصوص کودکان در این مورد بیش از سایر افراد دیگر ناراحت و اذیت می شوند به طوریکه از رفتن به پارک ها و خیابان خوداری می کنند.

در سال گذشته در جدالی که میان سازمان محیط زیست و شهرداری تهران صورت گرفت، هر کدام دیگری را مسوول برطرف کردن معضل پشه های سفید قلمداد کردند. در این میان مردم شهر تهران بیشترین آسیب را متحمل شدند. بیماری های تنفسی و چشمی از موارد این آسیب هاست.

معضل پشه های سفید حتا در زمستانها هم دست از سر مردم جنوب شهر تهران هم بر نمی دارد. در منطقه بازار تهران، زمزم، نواب، پشه ها در طول سال جولان می دهند.

اینکه هر دو سازمان شهرداری و محیط زیست باید این موضوع را حل کنند تردیدی نیست، اما شهردار خوش پوش ما و رییس سازمان محیط زیست همیشه خندان آیا در تهران زندگی نمی کنند؟ آیا شهردار تهران و یا خانم ابتکار به هنگام رفتن به خیابان بهشت و یا محل کار خود پشه های سفید را نمی بینند؟ آیا ماشین های کولر دار و داشتن دستگاه تهویه مطبوع و هوای تازه در محیط کار و خانه این دو مسوول باید آنان را در مورد دردهای مردم بی تفاوت سازد؟

آقای قالیباف که در هر موردی از سردار بودن خود در جنگ داستان های گویید مغلوب پشه های سفید شده است؟ یا اینکه دلش نمی آید بودجه شهر را هزینه پشه ها کند؟

جنگ با پشه های سفید سرداران خود را می طلبد و آقای قالیباف ثابت کرد که سردار این جنگ نیست و از پشه های سفید شکست خورده است





## صنایع ملی را دریابید! کارخانه لوازم خانگی سامسونگ کره‌ای در ایران راه اندازی شد

آناهیتا کیهان

به گزارش «پیام سندیکا» روز یکشنبه ۷ شهریور ماه در چارچوب برگزاری برنامه هفته دولت کارخانه تولید یخچال و فریزر سامسونگ، یکی از طرح‌هایی که با سرمایه خارجی در ایران ایجاد شده، افتتاح گردید. «پیام سندیکا» گزارش داده است که بر پایه اخبار منتشره گویا قرار است که «این طرح حدود ۳۰۰۰ کارگر را شاغل کرده و بر اساس آن ۵۰ درصد از لوازم این کارخانه تولید داخلی و ۵۰ درصد مابقی از کره وارد می‌شود. قرار است هر سال ۱۰ درصد به توان دانش فنی تولید داخلی اضافه شود و به صورت خوشبینانه تا ۱۰ سال آینده خودکفا شویم.»

«پیام سندیکا» اشاره می‌کند که: «البته آگاهان به لوازم خانگی می‌دانند که ۵۰ درصد فن‌آوری داخلی که در این کارخانه بکار گرفته می‌شود بیشتر بدنه‌سازی است و آنچه که مهم می‌باشد موتور و دستگاه‌های خنک‌کننده است که از کره وارد خواهد شد. همچنین هر دو سال فرم و شکل و دانش فنی جاری در تولید لوازم خانگی عوض شده و طی ده سال آینده که ما به خود کفایی برسیم فقط قادر خواهیم بود که کالای بنجلی را تولید کنیم. متأسفانه آنچه در این سرمایه‌گذاری فراموش شده است آمدن دانش روز به کشور است.»

«کارخانه‌های ارج، آزمایش، ایران پویا،... با بیش از ۵۰۰۰ کارگر نه تنها راه‌اندازی و بازسازی و حمایت نشدند بلکه با همت سرمایه‌داران دلال به محاق تعطیلی رفته تا سامسونگ‌ها بتوانند صنعت بومی ما را در اختیار خود بگیرند و به عنوان یک پروژه افتتاح شوند.»

«پیام سندیکا» به درستی خطاب به مقام‌های مسئول دولتی می‌پرسد: «چه منافعی باید حفظ شود تا کارخانه‌های ما بسته شوند تا سامسونگ‌ها جایگزین آنها شوند؟ نعمت زاده وزیر صنعت باید پاسخ گوید آیا با مدیریت درست نمی‌شد ارج و آزمایش و ایران پویا را که اعتبار داستان کارگران ایرانی بود را احیا کرد؟»

حال باید از نیروهای سیاسی‌ای که زیر پرچم جبهه ملی فعالیت می‌کنند و مدعیان ثابت نشده‌ی ارثیه معنوی جبهه ملی به رهبری دکتر مصدق و شهید ملی دکتر حسین فاطمی هستند سؤال کرد که آیا در این رابطه کلامی گفته‌اند و فعالیت‌هایی کرده‌اند و یا اینکه فقط به فکر این هستند که به هر قیمتی جای خود را در صفوف مداحان سیاست‌های اقتصادی و دیپلماتیک دولت «امید و تدبیر»، حفظ کنند با این خام‌خیالی که «انشاءالله گربه است؟!»

«برای مبارزه چون فولاد آبدیده شده‌اند» 



نشریه انگلیسی زبان «ایران امروز» که توسط کمیته دفاع از حقوق مردم ایران (کودیر) در اروپا چاپ و منتشر می‌شود، در تیرگی «برای مبارزه چون فولاد آبدیده شده‌اند» در ارتباط با شرایط کار و فعالیت کوشندگان کارگری در کشور ایران در راه دفاع از حقوق سندیکایی و تضمین این حقوق، اخیراً مصاحبه‌ای با مازیار گیلانی نژاد، سخنگوی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران را منتشر کرد. همچنین فدراسیون جهانی اینداستریال نیز این مصاحبه را با تیتراژ «رهبر اتحادیه کارگران فلزکار مکانیک ایران از مقررات زادی و وضعیت کارگران ایرانی می‌گوید»، متن مصاحبه را در سایت خود منتشر کرده است. روزنامه مورنینگ استار که ۱۰ اتحادیه کارگری بزرگ انگلستان در آن سهم عمده دارند و در هیات مدیره آن عضو هستند و آن را اداره می‌کنند نیز در روز پنجشنبه ۱۱ شهریور منتشر نمود. همچنین خبردار شدیم که متن مصاحبه در روزنامه حزب قدرتمند چپ قبرس بنام «هارواگی» نیز به زبان یونانی منتشر شده و در محافل سندیکایی این کشور پخش شده است.

## Steeled for the struggle

In an exclusive interview, Jane Green for Iran Today speaks to Maziyar Gilaninejad, the leader of the Union of Metalworkers and Mechanics of Iran (UMMI), about the current state of the trade union movement in Iran

**JG:** How would you assess the state of the trade union movement in Iran? In particular, how would you describe the attitude of employers, do they have any belief in the essential role of trade unions?

**MG:** In the current situation in Iran, the attitude of the employers is not good. They still do not recognise independent trade unions and their activity. With the flogging of the Aghdarreh miners in June, as a punishment for protesting against their conditions, we are entering a new phase where employers can easily complain about such activity and thereby condemn them. Employers see the activities and operation of trade unions as obstacles to their exploitation and profiteering. Government economic policies are aimed at the deregulation of labour relations in the country. In the last week of July the government excluded more than 28 areas of the country from the application of Iranian labour law declaring them Free Economic and Trade Zones.

**JG:** Is the labour law properly implemented in Iran?

**MG:** The issue of the enforcement of such laws anywhere in the world depends on the balance of power between the labour movement and government. In Iran, on some basic and trivial issues, we can challenge the employers and prevent the violation of workers' rights. Regarding the key macro issues the provisions of the labour law are pushed aside and nobody except the workers see themselves as obligated to implement them.

**JG:** What is your opinion about the formal institutions such as the House of Labour and Islamic Labour Councils? Have these institutions ever played a positive role in changing the situation of workers in Iran?

**MG:** The House of Labour or the Islamic Labour Councils are controlled by the Ministry of Labour and do not have any independent function whatsoever. As well as them being government-controlled, they are ideologically exclusive.

Belief in Islam is a fundamental pre-condition of membership. These bodies are religious organisations that operate to promote government policies and instructions in the work place. These institutions coordinate their activities with the Ministry of Labour and the employers against the trade union movement. Recent examples of this include their connivance in the recent flogging of the mineworkers for protesting against their conditions, or their part in



ratifying a minimum wage that was at least 75% less than the government-defined poverty line.

**JG:** At the beginning of his presidency, Mr Rouhani promised that he would attend to labour issues and the question of trade union freedoms. Has his government delivered on this promise?

**MG:** Unfortunately, despite his promise to implement the law, he did not fulfil that. His Ministry of Labour have not only has avoided their responsibilities in dealing with the disputes between workers and employers, but have also failed to prevent the intervention of security forces in attacking strikes.

The government is dragging its feet in relation to the payment of an extra £4 housing allowance, while senior government officers have enjoyed a 50% increase in their salaries. Imports continue unabated while domestic industries are still in recession.

Unemployment and poverty are creating havoc but the ruinous prescriptions of the International Monetary Fund are being implemented nonetheless. The government seems merely concerned with providing cheap labour for foreign investors.

## واردات به قصد نابودی اقتصاد



تحریر به نشر به کارگری پیام سنندیکا



در واردات سه ماهه اول سال به اقلامی بر می خوریم که وارداتش مایه تعجب است. به عنوان نمونه: ۸۱ تن فلاکس - ۳۰۲ تن مداد تراش - دوربین - سیفون دستشویی - وسایل شعبده بازی - نخود پاکستانی - نخ شمع چینی - و بالاخره محصول استراتژیک گوشت کوب!!!! به ارزش ۱۳ میلیارد تومان.

آیا کشور ما قادر به ساختن و تولید نخ شمع، مداد تراش، سیفون دستشویی و حتا نخود و گوشت کوب نیست؟ پس چگونه است که هر روز ما صنایع دفاعی امان از فن آوری جدیدی رونمایی می کند؟ یعنی دانشمندان ما نتوانسته اند به فن آوری تولید گوشت کوب دست یابند؟!!!!  
به راستی ممنوعیت واردات این لوازم باعث مختل شدن زندگی اقتصادی چه کسانی می شود؟ چرا وزارت بازرگانی و شخص وزیر قادر نیست جلوی واردات گوشت کوب را بگیرد؟ چه سیاستی جز منفعت پرستی افراد اندکی در پشت این گونه واردات است؟

ما به دولت آقای دکتر روحانی پیشنهاد می کنیم ممنوعیت واردات اقلام بالا را اعلام کرده و مطمئن باشد خللی در اقتصاد ایران رخ نخواهد داد. ایشان با تخصیص این ۱۳ میلیارد تومان به عنوان وام به تولید کنندگان داخلی مطمئن باشد که زحمتکشان خلاق ایرانی عاجز از تولید نخ شمع و نخود نیستند. ممنوعیت واردات کالاهایی که زحمتکشان سخت کوش ایرانی می توانند تولید کنند باعث خواهد شد تا هم صنعت جانی بگیرد و هم کارگران بیکار به عرصه تولید برگردند.



مدیرکل دفتر امور مناطق کمتر توسعه یافته و عشایر آموزش و پرورش با اشاره به وجود ۸۰۰ مدرسه چادری و ۴۲ مدرسه کپری در مناطق عشایری گفت: «باد و باران مشکلات زیادی برای این مدارس بوجود می آورد»

رییس سازمان نهضت سوادآموزی: «هر سال ۱۵ تا ۱۸ هزار کودک بیسواد ۱۰ سال به بالا شناسایی می شوند»

بند ۳ از اصل سوم قانون اساسی: «آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی»

این بند چه زمانی قرار است اجرایی شود؟

## دستان خالی کارگران بی‌اعتنایی مسئولین شرکت واحد



### راننده شرکت واحد

شهریورماه هر سال برای کارگران شرکت واحد همانند تمامی کارگران دیگر، ماهی سخت و طاقت فرسا می باشد. کارگرانی که در این ماه باید علاوه بر مخارج عمومی که عمدتاً در طول سال با آن دست و پنجه نرم می کنند، باید برای ثبت نام فرزندان دانش آموز و دانشجوی خود متحمل هزینه های مضاعف شده که چه بسا از شکم زن و بچه های خود زده تا هزینه های سر سام آور تحصیلی فرزندان خود را تامین نمایند. بسیاری از خانواده ها در این ماه ( شهریور) که برای مسئولین شرکت واحد ماهی برای تفریح و گذراندن اوقات تابستانی خود و خانواده شان در شمال و مشهد مقدس جهت زیارت می باشند، دچار انواع بحرانهای مالی در شرکت واحد شده و باید در به در دنبال وام و قرض از همین مسئولین و بانکها برای تامین مخارج فرزندانیشان باشند. نگاه تبعیض آمیز مسئولین به پرسنل، باعث شده که کارگران شرکت واحد اعتماد خود را به مسئولین بیش از پیش از دست بدهند.

مدیریت محترم و مسئولین شرکت واحد و معاونت ها، آیا فرزندان شما هم با مشکل تهیه شهریه ثبت نام و لوازم التحریر،،،،،، مواجه اند یا اینکه همان داستان تکراری تبعیض و بی عدالتی هست که شاهد آن هستیم؟  
بهتر است مدیریت محترم شرکت چشمان خود را بیشتر باز نماید و از حداقل های کمک نسبت به این قشر زحمتکش دریغ ننماید. هر چقدر نگاه مسئولین به پرسنل عمیق تر شود شاهد بهره وری بیشتر در محیط کار خواهیم بود.  
به امید روزی که تحول در سازمان بزرگ حمل و نقل پایتخت و پایان تبعیض ها در این مجموعه کاری هر چه زودتر صورت بگیرد.

## نقدی بر تسهیلات رفاهی (مسافرت) پرسنل شرکت واحد:



### مسافرت و استفاده از هتل ها حق چه کسانی است؟

کارگران در نوبت خود که عمدتاً در تابستان میباید امکان استفاده از این تسهیلات مسافرتی را ندارند. مدیریت محترم شرکت واحد فقط شعار استفاده کارگران از این تسهیلات ۲ سال یکبار را میدهد. چطور است که یک کارگر بعد از گذشت ۳ سال هنوز نتوانسته در زمان خود به مسافرت برود و مدام به او گفته می شود که ظرفیت پر است، بودجه نیست، هتل رزرو نشده... و پرسنلی که در موعد مقرر خود در تابستان باید به یک مسافرت بروند عملنامه ای ندارند و این سفر موقوف به زمانی دیگر، احتمالاً سال بعد خواهد شد و این چرخه همین طور ادامه پیدا میکند.  
آقایان محترم!! این حرفهای تکراری، کسل کننده را که بودجه نیست دیگر منسوخ شده، حداقل امکان برای یک خانواده کارگری بعد از ۲ ساله پر مشقت و خسته کننده در این شهر یک مسافرت نمی باشد؟ چرا از او دریغ می نمائید؟ با نزدیک شدن به روزهای پایانی تابستان دیگر امکان سفر

برای خانواده‌هایی که فرزند دانشجوی و دانش آموز دارند نیست. چرا با اعصاب و روان خانواده‌های این عزیزان بازی می‌کنید. پاسخ مدیریت شرکت واحد چیست؟ آیا مدیران و معاونین ایشان در تمام سطوح شرکت واحد هم با این مشکل مواجه هستند؟ یا آنها تافته‌ای جدا بافته از کارگران میباشند؟

در پایان سندیکای کارگران شرکت واحد حق خود میدانند که در تمامی زمینه‌ها افشاگر تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها باشد و از حقوق از دست رفته رانندگان و کارکنان شرکت واحد حمایت کرده و در اجرای حقوق کارگران تلاش کند.

همچنان امید است گوش شنوایی به جهت برقراری این حق از سوی مسئولان شرکت می‌باشیم.

## وزارت کار در روابط کارگری در کجا قرار دارد!

اکبر کارگر فلز کار

### آزادی گروه‌ها و تشکل‌های صنفی حق ماست!

علیرغم نص صریح قانون اساسی مبنی بر آزادی گروه‌ها و تشکل‌های صنفی، متأسفانه در اجرای این ماده از قانون اساسی، هیچ اقدام و حمایتی از تشکل‌های صنفی، صورت نگرفته است. تا اینجای قضیه به کنار! روی سختم با وزیر کار، رفاه و تامین اجتماعی به عنوان تنها مرجع و متولی امور مربوط به کارگران و مزد بگیران زحمتکش می‌باشد. جناب آقای ربیعی:

۱- آیا از روند استخدام نیروی کار و قراردادهای منعقد بین کارگر و کارفرما، اطلاع و آماری دارید؟

۲- آیا از اجرای قوانین حمایتی از کارگران کارخانجات و کارگاهها در جای جای ایران، نظیر اضافه کاری‌ها، سختی کار، میزان حقوق و مزایا، تعطیلات رسمی، کارانه، طبقه بندی مشاغل، حق شیفت، تعطیلات تابستانی و ... اطلاع دارید؟

۳- آیا از روند اخراجها و تعلیق از کارها که کارفرما به راحتی آب خوردن این کارها را انجام می‌دهد، اطلاع دارید؟

۴- آیا از کمبود خدمات تامین اجتماعی نظیر خدمات درمانی و رفاهی و کمبود بیمارستان‌های تامین اجتماعی و خدمات رسانی ضعیف آنها اطلاع دارید؟

وزارتخانه‌ی شما، بعنوان تنها متولی امور کارگران زحمتکش و کم توقع، در این چندسال، چه اقداماتی در مورد برطرف کردن مشکلات و معضلات مطرح شده انجام داده است؟ کارگران و مزد بگیران زحمتکش، همه‌ی کاستی‌ها و کوتاهی‌ها و اهمال را از چشم شما و همکارانتان در آن وزارتخانه می‌بینند.

حل و برطرف کردن مشکلات عنوان شده در بالا و هزاران مشکل ریز و درشت دیگر جزو وظایف کاری و شغلی شما می‌باشد. امیدواریم، کم کاری نکنید، وقت خیلی تنگ است.

## حقوق مدیران چندبرابر حقوق یک کارگر است؟

### تحریریه نشریه کارگری پیام سندیکا

با ابلاغ سقف حقوق مدیران وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی توسط وزیر کار قرار شد: حداکثر حقوق و امتیاز شغل نباید از هفت برابر (۷) حداقل حقوق کارکنان شاغل مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری که هر سال توسط هیات وزیران اعلام می‌گردد، تجاوز کند. نحوه تطبیق کارمندان با جداول مذکور و همچنین دستورالعمل بند (۹) ماده (۶۸) قانون و کمکهای رفاهی مستقیم و غیر مستقیم که در جلسه مورخ ۱۳۸۸/۲/۹ بنا به پیشنهاد معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور و به استناد اختیار حاصل از جزء «ب» بند (۱۱) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۸۸ کل کشور و ماده (۶۷) قانون مدیریت خدمات کشوری تصویب و به تأیید رئیس جمهور رسیده است، برای اجرا ابلاغ می‌گردد. متأسفانه آنچه که دغدغه مردم و زحمتکشان ایرانی بود که سقف حقوق مدیران چند برابر حقوق یک کارگر است، به سرانجام نرسید و باز هم بخشنامه سال ۸۸ که باعث حقوق‌های افسانه‌ای شد اساس قرار گرفت.

افشای لیست حقوق برخی از مدیران که حقوق‌های افسانه‌ای دریافت می‌کردند تا آنجا پیش رفت که صدا و سیما و در نهایت رییس جمهور را نیز وادار به واکنش نمود. هر چند سخنگوی دولت آقای نوبخت اعلام کرد که فقط ۱۳ نفر حقوق غیرمتعارف می‌گرفتند!!!! باید مشخص شود مزد و حقوق دریافتی هر کسی بایستی چه نسبتی با اندازه بازدهی و کارایی او دارد. کارگری که در یک خط تولیدی کار می‌کند به قطع به یقین می‌توان گفت که چند برابر مزد دریافتی اش بازدهی و سود آوری دارد. حال مدیری که دریافتی اش بیش از ۱۰۰ برابر حداقل حقوق یک کارگر است قاعدتاً بایستی این مدیر بازدهی اش یکصد برابر کار یک کارگر باشد و آیا واقعاً این طور است. کافی است نگاهی به زیر مجموعه آقای وزیر کار بیاندازیم تا کمی از واقعیت آشکار شود.

مدیران شستا آیا بازدهی اشان به نسبت حقوق شان است؟ اگر هست پس چرا کارخانه‌های زیر مجموعه شستا یکی یکی ورشکست می‌شوند؟ آیا بازدهی مدیران تامین اجتماعی به نسبت حقوق اشان هست؟ پس چرا تامین اجتماعی در حال ورشکسته شدن است؟ ذوب آهن و مدیران فولاد و نیشکر هفت تپه و راه آهن... چه؟

آیا خود وزیر کار به نسبت حقوقی که دریافت می‌کند بازدهی اش چقدر بوده؟ شلاق خوردن کارگران زیر مجموعه وزیر کار، به زندان بردن هر حرکت کارگری، به زندان رفتن و اخراج نمایندگان کارگری، شکایت کارفرما از کارگرانی که مزدشان عقب افتاده و معترض هستند به دادگستری مانند کارگران شهرداری اهواز... وزیر کار برای رفع این مشکلات چه کرده است؟

متأسفانه با ابلاغیه وزیر کار باز هم در به همان پاشنه خواهد چرخید. و باز هم شاهد حقوق‌های آنچنانی خواهیم بود. کاش وزیر کار ابلاغیه‌ای صادر می‌کرد که در آن مدیرانی که بی لیاقت تشریف دارند نه تنها دریافتی هایشان مسترد شود بلکه به دادگاه نیز به جهت خسران وارده محاکمه شوند. از جمله خود او.





## وقتی کارگر حقوق نمی‌گیرد!

رضار خشان

عضو هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

شرکت نیشکر هفت تپه که یک زمانی با نزدیک به ده هزار نفر کارگر و پرسنل اداری یکی از قطبهای اقتصادی شمال خوزستان به شمار می‌رفت، و هزاران نفر چه بصورت مستقیم و چه غیر مستقیم ازین بنگاه تولیدی منتفع میشدند و گذر زندگانی می‌کردند. همانطور که یکی از مهمترین اهداف بنیان گذاران این مجموعه تولیدی، نه سود محوری بلکه محرومیت زدایی از منطقه بوده است. اکنون ده سالی میشود که این شرکت اوضاع بسیار رقت انگیزی پیدا کرده است. افت فاحش تولید، فرسودگی کارخانه، بازنشستگی نیروهای ماهر و عدم جایگزینی آنها و در بیرون شرکت سیاستهای واردات محور دولت احمدی نژاد، مثل واردات بی رویه شکر و حذف تعرفه گمرکی از جمله این موارد است. اما راستش همه اینها برای من کارگر دلیل نمیشود. من کار کرده ام و حقوقم را میخواهم. مگر من شریک سود زیان آن هستم؟ مگر در زمان خوشی و دورانی که تولید آن بیش از ۱۲۰ هزار تن شکر در سال بود، سهم من از آن خوان گسترده چه بود؟ ولی گویا ما نه شریک دوران خوش گذشته، بلکه شریک روزهای سخت آن شده ایم. عدم پرداخت حقوق و دسترنج کارگر که یگانه منبع ارتزاق ماست از جمله این شریک شدن هاست. بخصوص الان که، هشت ماهی از واگذاری آن به بخش خصوصی می‌گذرد. شدت این تاخیرها هم گسترش بیشتری کرده است. اکنون ما فقط با حقوق خرداد ماه زندگی کرده ایم و زنده مانده ایم. برای من که بارها با پرونده سازی های متعدد به زندان و بازداشت افتاده ام از همه اینها بدتر موقعیست که بخانه بر می‌گردم و با اولین جمله زن و بچه ام مواجهه می‌شوم «از حقوق چه خبر؟» من هم جوابی برایشان ندارم. و آزار دهنده تر اینست که نمیتوانی درین شرایط سخت، حداقل نیازهای زیستی خانواده ات را فراهم کنی و در پیشگاهشان شرمند می‌شوی. دیر زمان نیست که شرمندگی جزئی از زندگانی ما کارگران شده است. افزایش تنش و نزاعهای خانوادگی، افزایش فشارهای عصبی و استرس و اضطراب و فشارهای روانی که از بیرون به کارگر وارد میشود. بدهی ها و تاخیر در پرداخت اجاره خانه و بی اعتباری مالی از جمله اینهاست. من در چنین شرایطی دو رفتار متضاد از هم دارم. اول اینکه ارزوی مرگ می‌کنم که ساده ترین راهست. پایان نیست بر ناامیدی ها و نداشتن ها و غصه ها و دیگر اینکه، به مبارزه طبقاتی برای احقاق حقوق حقه خویش بپردازم. خوشبختانه کارگران هفت تپه هم، یا براساس فرمان شکم که از گرسنگی و فقر و تنگناهای معیشتی ناشی

میشود و یا جا افتادن سنت مبارزاتی در سنوات اخیر، برای نقد کردن حقوقشان زیاد صبر نمی کنند. با روشهای اعتراضی، نظیر اعتصاب و تجمع و غیره حقشان را می ستانند. با اینهمه، ناامنی شغلی و تبعات روانی آن، بر سر همه ما سنگینی می کند کسی نمی داند که در آینده چه میشود. و بدیهی تر اینکه، کسی نمی داند که حقوق بعدی حتما پرداخت میشود و یا کی پرداخت میشود؟. مرگ بر سرمایه داری. لعنت بر این مناسبات ظالمانه. مناسباتی که براحتی و به بهانه های واهی و غیر انسانی، نظیر کاهش سود و غیره، با تحمیل گرسنگی بر کارگران و زن و فرزندانشان، کیان و هستی اجتماعی همه ما را به خطر می اندازند. و کسی نیست که از ما دفاع کند. از طرفی دیگر هر گونه فعالیتی جهت ایجاد تشکل مستقل کارگری که بتواند در چنین شرایطی از زندگی ما کارگران دفاع کند از طرف دستگاه دولت با مشت آهنین جواب داده میشود. مثال نزاع دو آدمیست که نفر سومی بهانه میانجگری دستان یکی از دو سوی متنازع را از پشت می گیرد و به آن سوی دیگر اجازه می دهد که جنگ را مغلوبه کند. ما کارگران جز خودمان، حامی دیگری نداریم. ما به فردیت ضعیف و ذلیل و ناتوانیم اما با اتحاد و همبستگی، توانا و قدرتمندیم.

**با ارزوی اتحاد و همبستگی تمامی کارگران جهان**



## کارگران به سرمایه های معنوی خود می بالند!

کیومرث الفتی : عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

هفده تن معاون وزیر کار، با اشاره به اینکه بعد از گذشت سه دهه تغییر چندان در معیشت کارگران احساس نمی کنیم، افزود: ما وقتی می توانیم به خود ببالیم و افتخار کنیم که نیروی کار حداقل ۵۰ درصد از حقوقش را پس انداز بکند.

طبقه کارگر زمانی به خود خواهد بالید که هدف خود را از کار کردن و کسب درآمد در نتیجه کار و آثار ماندگار خود ببیند. از جمله این آثار ماندگار تغییر جامعه و تربیت فرزندان ارزشمند طبقه کارگر به جامعه است. آثاری اجتماعی زحمتکشان در ایجاد سندیکاهای کارگری، قانون کار، تامین اجتماعی، ..... تجلی یافته است.

اما بزرگترین اثر جنبش کارگری ایران با تربیت و آموزش علی امید رهبر بزرگ زحمتکشان صنایع نفت و حقوق کار، حسین سمنائی آموزگار همیشگی جنبش سندیکایی و پرویز شهریاری کارگر، آموزگار و دانشمند ریاضی دان، متجلی گشته است. زحمتکشان، عالیترین فرزندان خود را به جامعه ایران تقدیم کرده است. این تجلی به معنای واقعی کلمه، کارساده تولید شده طبقه کارگر تبدیل به کاری در عالیترین درجه و ماندگار در تاریخ می باشد.



## انجمادزدی

### فقط برای حداقل بگیران بوده است!

ایلنا: یک فعال کارگری سندیکای کارگران فلز کارمکانیک می گوید اگر دولت از ابتدا جلوی ریخت و پاش های اقتصادی را گرفته بود امروز نه از فیش های حقوقی بالای مدیران دولتی خبری بود و نه میان مزد کارگران با خط تورم شکافی ۷۶ درصدی وجود داشت. مازیار گیلانی نژاد با اعلام این خبر به ایلنا گفت: ظاهرا تا به این لحظه تیم اقتصادی دولت استراتژی ترمیم دستمزد را در جهت ثابت نگهداشتن و انجماد افزایش مزد اقشار کم درآمد اجرا کرده است.

وی ادامه داد: در چنین حالتی که حتی افزایش یک درصد مزد کارگران با هزاران مانع مواجه است، شاهدیم که اقلیتی از افراد تحت عنوان مدیران و اعضای هیات مدیره شرکت های مختلف دولتی و غیردولتی همچنان به صورت نجومی درآمد دارند و هیچ نظارتی بر نحوه محاسبه حقوق آنها وجود ندارد.

این فعال کارگری افزود: ظاهرا از نظر اعضای تیم اقتصادی دولت آسانترین راه برای به سامان کردن وضعیت اقتصادی کشور از مسیر پایین نگهداشتن هزینه های مربوط به نیروی انسانی می گذرد چنانچه در همین رابطه دولت هنوز حاضر به ابلاغ مصوبه افزایش ۲۰ هزار تومانی حق مسکن کارگران نشده است و در عین حال ظاهرا برای خروج کارگران از شمول مقررات حمایتی قانونی کار برنامه جدی وجود دارد.

وی افزود: نتیجه همین رویه است که باعث می شود در شهری مانند اهواز با کارگرانی که تنها به صرف پیگیری معوقات مزدی خود تجمع کرده اند برخورد قضایی صورت بگیرد.

گیلانی نژاد در عین حال با یادآوری اظهارات جنجال برانگیز مدیر کل اشتغال وزارت کار مبنی بر اینکه دولت آمده است تا برای ایجاد اشتغال و توسعه از هزینه های مربوط به نیروی انسانی به نفع صاحبان سرمایه بکاهد، افزود: در چنین موقعیتی قطع یقین با اقداماتی همچون توسعه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، احیا شیوه نامه استاد شاگردی موازنه در بازار کار به سود صاحبان قدرت و سرمایه تغییر خواهد کرد و کوچکترین نفعی نصیب کارگران و جویندگان کار نخواهد شد.

## تسلیت

با خیر شدیم در شهریور ماه آقای نادر همتی یکی از اعضای هیات مدیره سابق تعاونی مصرف کارگران فلز کارمکانیک به دلیل عارضه سکته در گذشته است. ما ضمن ابراز همدردی با خانواده گرامی ایشان، فقدان این کارگر تلاشگر را به دوستان و همکارانش در تعاونی مصرف کارگران فلز کارمکانیک تسلیت می گوئیم.

روابط عمومی سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

## به دعوت سندیکاهای کارگری فرانسه اتفاق افتاد تظاهرات ۴۰ هزار نفری در مخالفت با تغییر قانون کار



ایلنا: روز گذشته معترضان به اصلاحات قانون کار فرانسه بار دیگر به خیابان ها آمدند. ۴۰ هزار نفر در اعتراضات روز گذشته حضور داشتند. نیروهای پلیس به وسیله خودروهای آب پاش معترضان را متفرق کردند.

به گزارش ایلنا پس از پایان تعطیلات تابستانی در فرانسه، سندیکاهای کارگری از مخالفان اصلاحات قانون کار خواستند که با حضور گسترده در خیابان ها اعتراضات به اصلاح قانون کار را ادامه دهند.

آنطور که توسط سندیکاهای کارگری گزارش شده است، در اعتراضات روز گذشته که در سه شهر پاریس، مارسی و نانت برگزار شده بود حدود ۴۰ هزار نفر به خیابان ها آمدند.

سندیکاهای کارگری فرانسه از جمله سندیکای کارگری CGT از قدرت و نفوذ بالایی در جامعه برخوردارند از این رو پس تصویب اصلاحات قانون کار سندیکاهای کارگری توانسته اند اعتصابات سراسری را در این کشور برگزار کنند و در این راه دولت را مجبور به عقب نشینی از مواضع خود کردند.

تغییرات قانون کار فرانسه شامل ۳۵ ساعت کار هفتگی و تسهیل در اخراج کارگران است. دولت فرانسه امیدوار است که با اعطای این امتیازات به کارفرمایان امار بیکاری را کاهش دهد تا در انتخابات ریاست جمهوری سال آینده بر روی کاهش آمار بیکاران در مبارزات انتخاباتی مانور دهد.

## در اعتراض به پیمان تجارت آزاد اروپا و آمریکا صورت گرفت؛ تظاهرات سندیکاهای کارگری در آلمان



ایلنا: سندیکاهای کارگری آلمان بار دیگر به خیابان‌ها آمدند تا مخالفت خود را با پیمان تجارت آزاد اروپا و آمریکا (TTIP) اعلام کنند. سندیکاهای کارگری بر این باورند که این پیمان باعث کنترل سطح دستمزدها و ایجاد محدودیت در برگزاری اعتصابات صنفی می‌شود. همچنین مخالفان این پیمان تاکید دارند، که این پیمان دست دولت‌ها را در تنظیم مقررات کسب و کار بیش از گذشته باز خواهد گذاشت که همین به خودی خود بسیاری از آزادی‌های سندیکاهای کارگری از جمله حق اعتصاب برگزاری را محدود می‌کند.

سخنگوی یکی از سندیکاهای کارگری آلمان در این رابطه به رویترز گفت: استدلال موافقان پیمان تجارت آزاد اروپا و آمریکا از این رو غیر قابل پذیرش است که در گذشته آمریکا پیمان‌هایی از این دست با کشورهای آسیای جنوب شرقی داشته است که بر اساس آن حق اعتصاب از کارگران گرفته شده است.

## یورش به مزد و امنیت شغلی کارگران!

در دو ماه اخیر شاهد یورشی وسیعی به مزد و امنیت شغلی کارگران هستیم به عنوان نمونه ۲ کارگر باقی مانده از «مجموع ۲۷۴» کارگر فولاد زاگرس، در «هجدهمین» سفرشان از قروه کردستان به تهران «برای پیگیری مطالبات مزدی» شان، پس از بی‌اعتنایی و پاسخ ندادن کارفرما به مطالبات مزدی‌شان در دو روز تجمع‌های آنان در برابر «وزارت کار»، تجمع اعتراضی روز سوم‌شان را در برابر مجلس شورای اسلامی برگزار کردند [خبرگزاری ایلنا، ۱ و ۳ شهریورماه ۹۵]. این کارگران که «یک سال تمام» دستمزد دریافت نکرده‌اند، شب را در گورستان «بهشت‌زهرها سپری» می‌کردند. «دو ماه پیش... مسئولان وزارت کار [به آنان] وعده دادند که ظرف مدت یک ماه مطالبات این کارگران پرداخت شود، اما این وعده [نیز] محقق نشد.» ربیعی، وزیر کار، که این وعده را به ۲۸ کارگر باقی‌مانده کارخانه فولاد زاگرس [که مدیران وقت این واحد صنعتی به بهانه‌های مختلف این واحد صنعتی را پس از ۱۸ تیرماه ۱۳۹۲ تعطیل اعلام کردند] داده بود، در زمان اخراج همکاران این کارگران گفته بود: «در کنار دولت راست‌گویان می‌توان به رعایت کرامت کارگران نیز امیدوار بود» ایلنا،

۱۳ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۳]. بعد از خصوصی‌سازی این واحد صنعتی، «شرکت فولاد زاگرس به‌موجب مجمع فوق‌العاده‌ای که در اسفندماه ۱۳۹۲ توسط سهامداران عمده برگزار شد، منحل اعلام گردید... حدود ۲۰۰ کارگر این شرکت تعدیل شدند [بخوان: اخراج شدند] و در همان مجمع مقرر شد ۲۸ نفر از کارگران به‌منظور انجام امور جاری و حفظ و حراست از دارایی‌ها به فعالیت خود ادامه دهند و مزایای آن‌ها توسط سهامداران پرداخت گردد.» در مبارزات اعتراضی اواخر سال ۹۲ و اوایل سال ۹۳، هر بار بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر از کارگران فولاد زاگرس [برای پیگیری مطالبات «شان» به تهران سفر می‌کردند] خبرگزاری ایلنا، ۲۵ اسفندماه ۱۳۹۲، ۲۰ فروردین‌ماه، ۱۹ و ۲۱ مردادماه ۱۳۹۵]. کارخانه فولاد زاگرس، با «زمینی به مساحت ۱۰۰ هکتار، ارزش مالکیتی بسیار بالایی» داشت. وزارت کار- ۱۸ مردادماه ۹۳- تأکید کرده بود که کارگران فولاد زاگرس، مشکلات خود «را از طریق دیوان عدالت اداری پیگیری» کنند.



## از اعتراضات متنوع کارگران بیاموزیم!

خودداری کارگران پتروشیمی فارابی در منطقه ویژه بندر خمینی از خوردن «وعده غذای ناهار» در اعتراض به «عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و ... عدم پرداخت ۱۵ درصدی بدی آب‌وهوا و افزایش ۳۰ درصدی حقوق مینا» [ایلنا، ۱۹ مهرماه ۹۴]؛ خودداری «نزدیک به سه هزار» نفر از کارگران شرکت‌های پتروشیمی زیرمجموعه هلدینگ خلیج فارس «از خوردن وعده غذای محل» کار در اعتراض به عدم رسیدگی کارفرما به خواست‌هایشان «در چارچوب مقررات قانون کار و تأمین اجتماعی» [ایلنا، ۱۷ آذرماه ۹۴]؛ تشکیل «زنجیره نیروی انسانی» از سوی «دست‌کم ۱۵۰۰ نفر از کارگران رسمی واحدهای زیر مجتمع پتروشیمی هلدینگ خلیج فارس» در اعتراض به «نامشخص بودن وضعیت مزایای شغلی» [ایلنا، ۲۳ آذرماه ۹۴]؛ و خودداری «حدود ۸۰۰ تا ۹۰۰ نفر از کارگران قرارداد رسمی پتروشیمی پردیس... واقع در منطقه عسلویه» از «امکانات وعده‌های غذایی صبحانه، ناهار و شامی که توسط کارفرما توزیع می‌شود» در اعتراض به «تغییر ناعادلانه زمان شیفت‌های کاری»، نمونه‌هایی از اعتراض‌های کارگران مناطق آزاد با شیوه‌های گوناگون بود.

افشای ماهیت سیاست‌های ضد کارگری در بین زحمتکشان، همبستگی با مبارزات آنان و تلاش برای سازمان‌دهی مبارزات متفرق کارگران، سازمان‌دهی مبارزه کارگران در جهت احیای حقوق سندیکایی و تشکیل سندیکاهایی مستقل با ماهیت طبقاتی، و آگاه کردن کارگران از قدرت سلاح سازمان‌دهی و اتحاد، راه مبارزه آنان با سیاست‌های اقتصادی ضد مردمی رژیم و دستیابی به منافع طبقاتی‌شان را هموار و ممکن خواهد کرد.

## اعلام هوشیاری به کارگران وز حمتکشان شرکت واحد

علی اکبر نظری: عضو سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران

همکاران شرکت واحد به هوش باشید طرح خصوصی سازی شرکت واحد به معنای سپردن کار بدست کارگران نیست، بلکه سپردن اموال دولتی (شرکت واحد) به اقلیتی خاص میباشد که همکاران شرکت واحد این دروغ بزرگ را باور نخواهند کرد.

سران شرکت واحد، شهرداری تهران و سازمان ترافیک (آقایان سنندجی، ترفع و مازیار حسینی) در طی نشست‌هایی که در مورخه ۰۹/۰۶/۹۵ داشتند مجدداً بحث خصوصی سازی و واگذاری و تعدیل نیروی انسانی که یکی از مهمترین موارد ۱۵ گانه مورد بحث بوده را در حال پیگیری میباشند. با توجه به اینکه تمامی تلاشهای صورت گرفته در این جلسات جهت توجیه کارگران و اینکه شرایط به گونه‌ای ترسیم میشود که کارگران با شرایط خوب و رضایت کامل و آبرومندی باز خرید و حق مسکن آنها هم از طرق تعاونی مسکن شهرداری و غیره،،،، پرداخت میگردد در حال مجاب کردن کارگران برای باز خریدی پرسنل میباشدند. لذا با توجه به نقشه شوم کارفرما و شهرداری در باز خرید کردن پرسنل و عواقب خطر ناک باز خریدی برای خانواده‌های کارگری به همکاران خود هشدار میدهم که فریب کارفرما را نخورند. ما کارگران فعال سندیکایی با قدرت جلوی این ترفند کارفرما را می‌گیریم. کارگران شریف و زحمتکش شرکت واحد خود آگاه از عواقب اینگونه ترفندها میباشند. کارگرانی که در سالهای گذشته باز خریدی انگیزشی نمودند هنوز بیکار و دنبال لقمه‌ای نان میباشند و بسیاری از آنها زندگیشان در ورطه نابودی قرار گرفته است. بهتر است مدیریت شرکت واحد لحظه‌ای خود را جای این زحمتکشان قرار دهند که اینطور کمر به نابودی شرکت واحد و خانواده‌های کارگری نبندند.

## شگردهای دلالان برای ورود خود ربه کشور!

تحریریه پیام سندیکا

۷۰۰ اتومبیل به ارزش ۲۲ میلیارد تومان به کشور وارد شده است. اگر اتومبیل بمب گذاری شده وارد ایران شد تعجب نکنید!

۷۰۰ اتومبیل سواری پورشه، بنز و آزارا که بصورت قاچاق وارد ایران شده بود ضبط شد. این اطلاع را مدیر کل گمرک مازندران در یک نشست خبری اعلام کرد و افزود یک زن روستایی و یک شاطر با کارت بازرگانی اجاره‌ای در نوشهر این اتومبیل‌ها را وارد ایران کرده بودند.

مملکت از این بی‌در و پیکرتر در کجای دنیا سراغ دارید؟ این شوخی است که یک زن روستایی و یا شاطر کارت بازرگانی اجاره کرده اند و ۷۰۰ سواری گرانقیمت به ارزش ۲۲ میلیارد تومان وارد ایران کرده اند. بنام آنها این عمل انجام شده و آنها که این دو نفر را جلو انداخته اند آنقدر صاحب نفوذ هستند که حتی پس از ضبط اتومبیل‌ها مقامات جرات نمی‌کنند نام آنها را بر

زبان بیآوردند و کسانی را مجرم اعلام کرده اند که بنام آنها کارت بازرگانی اجاره شده است. شاطر و زن روستائی نگفته اند به دستور چه کسانی قبول کردند کارت بازرگانی بنام آنها اجاره شود؟ فردا شاید اتومبیل های بمب گذاری شده وارد مملکت شود و جان صدها نفر را در خیابان و سینما و مترو بگیرد.

چه قدرتی پشت این واردات است که حتا امامان جمعه ای که از کنسرت فرهیخته گان این کشور اظهار ترس می کنند حال سکوت کرده و ماست در دهانشان گرفته اند و نام نمی برند؟



## نهادهای مدنی و وظایف ما!

مازیار گیلانی نژاد؛

عضو سندیکای کارگران فلز کار مکانیک ایران

در سیستم های تمامیت خواه و انحصار گرا، نقش نهادهای مدنی بخصوص سندیکاهای کارگری بسیار حساس و راه گشاست. سندیکاهای کارگری با سازماندهی و مطالبه گری خود باعث شکستن جو سرکوب و ایجاد فضایی برای حرکت های اجتماعی هستند. اینکه چرا سندیکاهای کارگری می توانند چنین نقشی را داشته باشند و جنبش های دیگر مانند زنان، دانشجویان نمی توانند، به دلایل بسیاری بستگی دارد. از جمله سیستم مذهبی حاکم بر روابط زنان و ناپخته بودن دانشجویان و اینکه هنوز دانشجویان به لحاظ اقتصادی جایگاه خود را در جنبش اجتماعی پیدا نکرده اند، می تواند از آسیب ها و فروکش کردن این جنبش ها دانست.

با اینکه سندیکاهای کارگری طی ۱۰ سال اخیر مورد هجوم و سرکوب و حتا از دست دادن فعالین خود چه به لحاظ فیزیکی و چه به لحاظ مهاجرت بوده است، اما مداومت و پافشاری بر روی اصول خود باعث گردید که آستانه تحمل پلیس سیاسی را بالا برده و در فضای کنونی حتا به قیمت از دست دادن جان، کار، به پیکار خود ادامه بدهد. هر چند این پیکار به دلیل فشارهای وارده هنوز نتوانسته است جایگاه خود را در جنبش کارگری تثبیت کند اما حضور معنوی خود را نهادینه کرده است.

شور یختانه به دلیل آموزش ندیدن صحیح در رابطه با نهادهای مدنی و سرکوب خشن در دهه شصت و هفتاد، طبقه زحمتکش نتوانسته است از ظرفیت های خود در رابطه با حضور در نهادهای مدنی موجود کمال استفاده لازم را ببرد. اگر ما آموزش صحیح در مورد کاربردی کردن همین انجمن های اولیا و مربیان، داشتیم بی تردید با سیستم سراسری که خود آموزش و پرورش در اختیار مان گذاشته است می توانستیم موضوع رایگان بودن آموزش و پرورش را به سیستم اقتصادی و سیاسی از طریق همین انجمن ها قبولانده و اصل رایگان بودن آموزش را پاس داشته و اجرایی کنیم.



آیا نمی توان نهادهای مدنی دیگری همچون شورا یاری های محلات، شوراهای شهر و ده و حتا شوراهای کلان شهرها را با فرستادن دختران و پسرانمان تسخیر و به اصلاح پرداخت؟ مگر نه این است که شوراها گام اول برای تصاحب حاکمیت سیاسی می باشد؟

اگر مادر شورا یاری های محلاتمان حضوری فعال داشته باشیم حداقل بودجه محله امان را صرف اصلی ترین موضوعات کرده و عملکردمان به مردم نشان خواهد داد که انسان های درستکار و کاربلد چگونه محله ها و شهرها را بدون فساد اداره خواهند کرد.

بی تردید مافیای لانه کرده در اداره شهرها هم بیکار نخواهد نشست اما تا زمانی که صندلی که حق منست را من بر آن ننشینم و پشت تنبلی و بی عملی سنگر گرفته و مدام تکرار کنم «همه دزد هستند و کاری نمی توان پیش برد...» رقیب صندلی ما را تصاحب کرده و آنچه می خواهد را عملی می کند.

بسیاری بر این توهم هستند که در موقع لزوم «ما بسیاریم». من می پرسم شما در همین نهادهای مدنی می توانید از وزن خود در محل زندگیتان باخبر شوید. شمایی که مردم می شناسند تا حدی که اگر بزرگترین و پاک ترین انسانها باشید به دلیل اینکه عملکرد دستگاههای مدنی را تجربه نکرده اید در روز نهایی هم نخواهید توانست عملکرد خوبی از خود به جا بگذارید.

بیا بییم با حضور در تعاونی های محلی، صندوق های مالی خانوادگی، شورا یاری ها، انجمن های اولیا مربیان، هیات مدیره های مجتمع های مسکونی و نهادهای صنفی زحمتکشان از جایگاه خود صیانت کرده و عرصه را بر مافیای زر و زور و تزویر تنگتر کنیم. و با آموزش به مردم و گزارش عملکرد و مشکلات پیش رو و موضوع پاسخگو بودن به اعضا، مردم را به حق پاسخگو بودن مسولان به اعضا آگاه، و مردم را سازمان دهی کنیم.

و اتفاقا محکی است برای آنکه وزن اجتماعی خود را به دور از توهم ارزیابی و ذهنیت جامعه نسبت به رخدادهای صنفی، اجتماعی، سیاسی را درست ارزیابی کرده تا در تحولات آینده جامعه اثرگذار باشیم.

افق سیاست کوشنده های کارگری در سندیکاهای کارگری، گسترش و قدرتمندی در میان کارگران با اثبات درست بودن سیاست های اتخاذی از سوی سندیکاهای کارگری در عمل و افشای بی لیاقتی مدیران و سیستم موجود در هر نهادی و کسب اعتماد زحمتکشان، گسیل نمایندگان واقعی کارگران به مجلس با توجه به بزرگ شدن فرزندانمان و داشتن دانشنامه های لازم برای ورود به مجلس، تصاحب مدیریت تامین اجتماعی، مدیریت کارخانه ها، برنامه ریزی در صنایع به نفع زحمتکشان و اعمال قدرت در صحنه سیاسی به نفع مردم را در افق تلاش هایمان داشته و بر سازماندهی این موضوعات می اندیشیم.

اما باید وارد عمل شد، جامعه را درست تحلیل کرد، بر حسب توانایی خود برنامه ریزی و سپس دست به کار شد. ما می توانیم با اتحاد و همگرایی بیشتر بر تحولات اثرگذار باشیم و بخشی ولو کوچک از قدرت را تصاحب کرد. منتظر حوادث نشویم و از امروز تلاش خود برای اثرگذاری بر تحولات جامعه را برنامه ریزی و اجرایی کنیم.

**وقت تنگ است و سحر در می رسد،**

**توده را همراه شو**

## نظری به المپیک ۲۰۱۶ ریو

رضا فیاضی مطلق کارگرفنی



طی پنج دهه گذشته می توان ادعا کرد که المپیک ۲۰۱۶ ریو فراگیرترین رویداد ورزشی بوده که مورد استقبال شدید افکار عمومی و مردم ایران قرار گرفته و به ویژه رقابتهای ورزشکاران کشورمان توسط هم میهنانمان بطور دایم پیگیری می شد. در چنین فضایی بلندگوهای تبلیغاتی و بسیاری از رسانه های نوشتاری و دیداری در فضای مجازی در قالب گزارش و تفسیر و خبر امیدواریهایی کاذب و به دور از واقعیت را بیش روی مردم ایران قرار می دادند و چنان براین طبل توخالی می کوبیدند که مردم مافقط به مدال طلا قانع بودند و نقره و برنز در مخیله آنان جایی نداشت و فقط مدال - مدال طلا- بود!

آنچه تاکنون آشکار شده ورزش در جمهوری اسلامی برای سربلندی کشور و سلامتی نیست، بلکه برای اهداف مدیران بی لیاقتی است که نه از جنس ورزش هستند و نه مردم. این که قهرمانان و ورزشکاران مستعد و صاحب عنوان ما سرزمین و وطن خود را ترک می کنند و در کشورهایی مثل آذربایجان در برابر هموطنان خود قرار می گیرند برای آنان سرفرازی به ارمان می آورند، اثبات حقانیت بیعدالتی و جفاهایی است که به این مربیان و ورزشکاران از سوی به اصطلاح مدیران و مسوولینی که به ورزش تحمیل شده اند، است.

آیا تفاوت ظرفیت و استعداد های بیکران جوانان کشورمان با تیم هفت نفره پناهندگان سه چهار مدال است یا با کشور جنگ زده و فقیر کوزو دو مدال طلا است؟! از اینها گذشته سه مدال برنز ما را حریفانی که ورزشکاران ما را شکست داده بودند نصیب ما کردند. بدین صورت که آن حریفان به فینال رفتند و شانسه مدال برنز را به ما دادند و گر نه آن سه مدال برنز هم کسب نمی شد. اگر کیمیا علیزاده مدال ارزشمندی برای تاریخ ورزش بانوان ایران در المپیک گرفت فقط و فقط بخاطر شایستگی و توانائی فردی بود و ارتباطی به فدراسیون نداشت.

نا داوری در یک مسابقه یا اشتباه در یک بازی فرع صورت مسئله است بلکه موضوع اصلی ناکار آمد بودن سیستم حاکم بر ورزش کشور است که در عرصه آن نه در داخل کشور مدیران و برنامه ریزان و منتقدان توانا و با دانش وجود دارد و اگر هم باشد بسیار اندک و انگشت شمار است و از طرفی در ساختار تشکیلاتی و مدیریتی سازمانهایی مثل کمیته بین المللی المپیک، فیفا، و کنفدراسیون آسیا فاقد کرسی و نماینده هستیم زیرا آنانی که پست های مدیریتی ورزش کشور را اشغال کرده اند از منظر این نهادهای بین المللی ناشناخته و فاقد توانائی برای حضور در چنین

کرسی هایی هستند.

پژوهش و تحقیق و نوآوری و ابتکار جایگاهی در سیستم حاکم بر ورزش جایی ندارد. افرادی که طرح و اندیشه ای مدون را در اختیار وزارت ورزش قرار دهند یا جایش در بایگانی است یا این که پس از مدتی با تغییراتی که کل ساختار و ایده را منتفی می کند به عنوان طرح پیشنهادی فلان و بهمان مسوول ارایه می شود!!

این همه رییس و سرپرست همراه کاروان ورزشی به ریو رفتند ولی آیا نمی شد تعدادی محقق و پژوهشگر و مربی ورزشی برای ارزیابی و تحقیق در زوایای بازیهای المپیک به ریو اعزام شوند؟! برای طولانی نشدن مطلب را با قسمتی از حرفهای بوکسور کشورمان به پایان می برم:

روزبهانی بوکسور المپیکی ایران در پاسخ به این سوال که مسوولان فدراسیون اعلام کردند ۴۰۰ میلیون تومان برای آماده سازی تو هزینه کرده اند آیا این را قبول داری؟ گفت: با قطعیت می گویم که فدراسیون بوکس برایم هزینه ای انجام نداد، نه هزینه ای برای آماده سازی و اعزام به تورنمنت انجام داد و نه هزینه ای بابت اسکانم در هتل آکادمی. تمام هزینه های آماده سازی ام را خودم انجام دادم و هزینه های اسکانم را هم کمیته ملی المپیک و وزارت ورزش پرداختند. هزینه چند ماه اقامتم در هتل آکادمی را هم خودم پرداخت کردم چرا که دیگر از ماشین خوابی خسته شده بودم.

حالا دیگر مدتهاست روشن و مسلم شده است که المپیک ها و میادین رویدادهای بزرگ ورزشی تنها صحنه هنرنمایی و نمایش قدرت فردی و حتا گروهی ورزشکاران نیست. قهرمانی یک ورزشکار دیگر بازتابی از همه تلاشهای سخت و اراده مصمم او برای پیروزی نیست بلکه نمایشی دقیق از امکانات و شرایط ورزشی کشوری است که او پرچم آن کشور را در سکوی قهرمانی به اهتزاز در می آورد. امکاناتی که به دنبال برنامه ریزیها، سرمایه گذاریها و مدیریتهای صحیح و منظم و کارشناسی شده، بستر مناسبی را فراهم می آورند تا توانایی ها و تلاشهای یک ورزشکار در آن کشف، حمایت و شکوفا شوند. المپیک ها و میادین بزرگ و کوچک ورزشی دیگر صحنه نمایش دو عنصر موازی مهم و تعیین کننده به نام استعداد و توانایی فردی و امکانات و سرمایه گذاریهای ورزشی شده اند.

از آنجایی که تجربه نشان داده است که در کشور ما اراده و میلی جدی برای برنامه ریزی ها و سرمایه گذاری های صحیح و علمی و درازمدت در زمینه ورزش و سایر عرصه های آموزشی وجود نداشته، دور از انتظار نیست که پیروزی یا شکست یک ورزشکار با واژه هایی چون غیرت فردی، شانس، دعای خیر مردم، قرعه بد، حق کشی و غیره پیوند زده شود. اگر این واژه ها و اصطلاحات عامیانه بتوانند غرور شکسته و زخمهای ملی بخشی از مردم را تسلی دهند، بی تردی بی کفایتی در مدیریت، ناتوانی در برنامه ریزی و بی اعتنایی به احساسات و سرنوشت ورزشکاران یک ملت را نمی توان با کمک این ادبیات توجیه و یا پنهان کرد. تلاش برای توجیه این نابسامانی ها در عرصه های مدیریتی یا سخنان دو پهلو و مبهم مقام عالیتره وزارت ورزش هم به جایی نخواهد رسید وقتی که ادعا میکند «ما در ورزش حرفی برای گفتن نداریم.» جوانان ماحرفهای زیادی برای گفتن دارند ولی نه تنها گوشه برای شنیدن وجود ندارد بلکه چشمی هم برای دیدن پیدا نمیشود.

## غلامحسین نصیری کوشنده کارگری درگذشت!

# برگذشتی عمری از، بالاو پست تا چنین سیرانه سر، رفتی زد دست

غلامحسین نصیری کارگر مکانیک شرکت واحداثیوسرانی تهران، دبیر هیات مدیره سندیکای کارگران فلز کار مکانیک از سال ۱۳۳۹ تا اوایل دهه ۵۰.

حسین نصیری از جمله کوشندگان کارگری بود که پس از کودتای ۲۸ مرداد، از ترسی که به اعماق جامعه، کودتاچیان سرازیر کرده بودند نهراسید و با تلاش شبانه روزی خود به دوستان هم پیمانش گره خورد و در قهوه خانه های میدان قزوین به دنبال یاران گشت و توانست به این جمع های کارگری بپیوندد.

محمد ابراهیم سمرقندی، ابراهیم آلوچه ای، احمد کابلی، جلیل انفرادی، اسکندرصادقی نژاد، عبدالکریم غضنفری، داود شعاعی، غلامحسین نصیری، ناصر گارسچی، امیر رضایی، مصطفی مراد، قاسم خوشبخت، مرتضی فخار، عیسی قاقازانی، ابراهیم سمنانی و ناصر مقدم، اولین پایه گذاران سندیکای کارگران فلز کار مکانیک بعد از کودتای ضد کارگری ۲۸ مرداد بودند و توانستند در اواخر سال ۱۳۳۶ با تلاش کارگران اولین مجمع عمومی را برپا کنند.

آنچه غلامحسین نصیری را بر آن داشت که نه در سندیکای کارگران شرکت واحد که هم زمان با سندیکای فلز کار مکانیک تلاش هایش را برای بنیان گذاری، آغاز کرده، عضو شود، به خاطر کیفیت بالای این سندیکا و عناصر کارگری کارآموده و از جان گذشته اش بود.

غلامحسین نصیری بیش از ۱۰ سال دبیر سندیکای کارگران فلز کار مکانیک بود. اعتماد کارگران و هیات مدیره سندیکا به او به خاطر تلاش هایش در امر بهبودی زندگی کارگران مثال زدنی بود. بارها بارها در کوچه دفتر سندیکا پس از خروج مورد حمله اوباشان ساواکی قرار گرفت اما به اعتماد کارگران پشت نکرد. صبوری و متانت او باعث گرایش کارگران به او می شد.

او و کارگران پر تلاش سندیکایی پس از آمدن محمدحسین خوان یغما که نماینده کارگران کارخانه پارس آمریکا بود، توانستند با روحیه و پشتکار بیشتری به کار ادامه دهند. پیوستن کارگران کارخانه ارج، فولکس، لیلاند موتور، لوله سازی، بتون باتیمان .... حاصل این تلاش ها بود و سندیکای کارگران فلز کار مکانیک را قدرتمند تر از همیشه کرد.

گرفتن جشن های اول ماه مه در هر سال در دفتر سندیکا و بردن شعارهای جنبش ۸ ساعت کار به کارخانه ها، تشکیل تعاونی مصرف و مسکن کارگران در کارخانه های تحت پوشش سندیکا، راه اندازی گروه هایی ورزشی و از جمله بوکس، فوتبال و کوهنوردی بصورت حرفه ای از جمله این تلاش هاست. جمع هدایت اله معلم، نصیری، خوان یغما، غضنفری توانست با آموزش ها و راهنمایی های خود در اواسط دهه ۴۰ کادریایی چون خلیل پرن، کلانکی، اسکندرصادقی نژاد، جلیل انفرادی، ناصر گارسچی، حسن یادگاری، اسداله صادقی ..... را تربیت و به سندیکا تحویل دهد.

کارگران و نمایندگان کارخانه‌های عضو سندیکا بارها توانستند با پشتیبانی سندیکا در کارخانه‌های پارس آمریکا، لوله‌سازی، ارج اعتصاب‌های موفق راه‌اندازی و دستمزد و حقوق کارگران را افزایش دهند.

رهبان سندیکای کارگران فلز کارمکانیک و دبیر پرآوازه اش، غلامحسین نصیری توانستند کارگران هوشمندی را تربیت کرده که در دام ساواک نیفتاده و فن مبارزه با ترندهای ساواک را بیاموزند. سازماندهی کارگاههای کوچک فقط با برنامه ریزی از سوی این رهبران و کادرهای پرتلاشی همچون حسن یادگاری ممکن شد. بیمه نمودن کارگران این کارگاهها و گرفتن حق سود ویژه برای کارگران کارگاههای ۳ نفره تا کارخانه‌های بزرگی همچون لیلاند موتور از افتخارات این رهبران و سندیکای فلز کارمکانیک است.

کارگران فلز کارمکانیک به رهبران خود ارج گذاشته و یادشان را همیشه در قلب و ذهن خود حک می‌کنند و آموزش‌های آنان را هیچگاه از یاد نبرده و همواره به میان کارگران خواهند برد.

## بچه‌هایی که بوی گاو می‌دهند!

آساره کیانی



نماینده ایذه درمجلس می‌گوید شماری از دانش‌آموزان این شهرستان استان خوزستان در محل نگهداری حیوانات (طویله) تحصیل می‌کنند!

بچه‌ها به صف ایستاده بودند وسط گل و لایی که چکمه‌های پلاستیکی‌شان را تا نیمه رنگی کرده بود. یکی در میان سرک می‌کشیدند از صف تا ببینند شورت سبز رنگی که هر روز می‌آمد تا ببردشان مدرسه، از انتهای جاده روستا معلوم می‌شود یا نه؟ بعضی‌هایشان کفش هم نداشتند و پاهایشان را اول توی جوراب وصله‌پینه و بعد توی دمپایی جمع می‌کردند، نه از سرما، که شاید

هنوز امید داشتند دمپایی هایشان را بچه‌های چکمه‌پوش ندیده باشند! اینجا همه بچه‌های روستا جمع می‌شوند تا آقاصمد، همان که ماشین سبز دارد و مال روستای بالاتر است، بیاید. همین چند وقت پیش بود که دیوار مدرسه‌شان روی سر آقا معلم خراب شده بود. معلم جدید که آمد، به بچه‌ها گفته بودند که باز بیایید. آنها امروز لباس‌های بیشتری پوشیده بودند، چون مدرسه دیوار ندارد و بیشتر سردشان می‌شود؛ بیشتر از وقتی که بخاری تر کیده بود. اصلا مهم نیست که پا جمع بشود توی دمپایی، وقتی چند تا از بچه‌ها پوست صورتشان جمع شده و با چشم‌های سوخته به جاده نگاه می‌کنند.

بچه‌ها صبح زود که بیدار شده‌اند، دستشویی رفته‌اند و دیگر هیچ چیز نخورده‌اند تا مجبور نباشند به نوبت بروند توی چاله‌ای که چند متر آن طرف از مدرسه کنده‌اند؛ چاله باید عمقش به اندازه‌ای باشد که کودک در آن بنشیند و کسی او را نبیند؛ دخترها بیشتر خجالت می‌کشند؛ مدرسه توالت ندارد؛ بهداشت سال‌های زیادی است که بی‌هیچ سرویسی توی چاله افتاده و گم شده. بچه‌ها گاو و گوسفند را دوست دارند؛ مگر می‌توانند هم‌خانه‌هایشان را دوست نداشته باشند؟ مدرسه اولشان دیوار به دیوار طویله بود، یعنی دو اتاق بود کنار هم و هم‌شکل؛ یکی مدرسه بود یکی طویله؛ چند بار گوسفندها اشتباهی آمده بودند توی کلاس؛ درست وقتی معلم با شور و حرارت درباره خواص لبنیات و ویتامین‌های موجود در آن حرف می‌زد. یک‌بار هم که دانش‌آموزان وارد کلاس شدند دیدند یک گاو بزرگ وسط کلاس روبه‌روی تخته سیاه نشسته و نشخوار می‌کند. تخته البته دیگر سیاه نبود؛ هر تکه‌اش یک رنگ بود؛ بچه‌ها آن را برعکس گذاشته بودند؛ آن طرفش را باران خراب کرده بود؛ همان روزهایی که مدرسه نبود و هر روز یک جایی زیر آسمان خدا مدرسه‌شان می‌شد و دو تا از بچه‌های بزرگ‌تر این طرف و آن طرف تخته را می‌گرفتند و زیر باران می‌دویدند پی سرپناهی برای درس خواندن و معلم هم که کیسه پلاستیکی روی سرش کشیده بود، دنبالشان.

مدرسه اگر طویله نباشد، خیلی مدرسه خوبی است؛ این را بچه‌ها می‌گویند. یکبار مدرسه‌شان طویله نبود؛ خانه یکی از اهالی روستا بود؛ دو تا از مردهای روستا آمدند وسط اتاق پرده زدند؛ یک طرف بچه‌ها درس می‌خواندند طرف دیگر اهالی خانه زندگی می‌کردند. در نهایت خانم خانه خسته شد و باز هم مدرسه طویله شد؛ این بار گاوها و گوسفندها رفته بودند و بچه‌ها رفتند توی همان طویله اصلی، چون بزرگ‌تر بود. بچه‌ها اما همچنان توی صف ایستاده‌اند و سرک می‌کشند؛ هوا سردتر شده؛ پاها بیشتر جمع شده‌اند؛ پوست صورت‌ها که جمع بودند؛ گچ‌ها دیگر روی تخته‌ها نمی‌نوشتند؛ همه حواس بعضی از بچه‌ها پیش گاو مریضی بود که گوساله‌اش هنوز به دنیا نیامده بود؛ همان که به تخته زل زده بود؛ آن قدر موضوع هست توی ذهن‌های کودکان این صف که یادشان برود آقاصمد خیلی وقت است مرده و دیگر قرار نیست هیچ وقت از جاده پیدا شود.

یک روز عده‌ای از شهر آمده بودند روستا؛ اردو بود انگار، یا بازدید از مناطق محروم؛ بیشترشان هم‌سن و سال همین بچه‌هایی بودند که توی صف ایستاده‌اند؛ به صف که نزدیک شدند، بینی هایشان را گرفتند؛ بچه‌ها بوی گاو می‌دهند.

**بچه‌هایی که بوی گاو می‌دهند هنوز توی صف ایستاده‌اند.**

## بیکاری والدین نقشی مستقیم در کار کودکان دارد.



- آمار بیکاری در کشور؛ ۶ میلیون رسمی و ۱۱ میلیون غیر رسمی  
- کار و بیمه بیکاری حق همه کارگران است!



## کارگر سندیکالیست و نقاش حسین اومیدی (ارومان)



ترجمه:  
دست هایم به جیبم فرو نمی رود  
از دست هایم خجالت می کشد جیبم  
آنقدر رفته و خالی برگشته است  
که قابل گفتن نیست.

الریم گتیمیر، جیبیمه!  
اوتانیر، جیبیم اللریمدن!  
اوقدر گتدیب،  
بوش قایدیب...!  
که سوز تو تومور دیلی..

## مطالبات بر حق سندیکاها!

سندیکاهای کارگری برای دستمزدی که با ۸ ساعت کار بتواند یک خانواده ۴ نفره را اداره کرد، می‌کوشند.

سندیکاهای کارگری برای تصویب قانونی که کارفرمایان را به دلیل عقب انداختن حقوق چندماهه کارگران، مجازات و جریمه کند، می‌کوشند.

سندیکاهای کارگری برای آموزش و پرورش رایگان، بهداشت رایگان، مسکن رایگان، ورزش رایگان و همگانی، طبق قانون اساسی می‌کوشند.

سندیکاهای کارگری خواهان تغییر قانون کار به سود کارگران، مسکن مناسب برای کارگران و زحمتکشان، خواهان تأمین کار برای کارگران بیکار، خواهان منع بهره‌کشی از کار کودکان، خواهان دستمزد مساوی در برابر کار مساوی برای زنان کارگر هستند.

سندیکاهای کارگری خواهان آزادی فعالیت سندیکایی، خواهان تأمین حق اعتصاب و راهپیمایی آزادانه برای کارگران، خواهان شرکت کارگران در اداره امور موسسات صنعتی و کشاورزی، خواهان اجرای پرداخت حقوق هماهنگ بین کارگران موسسات دولتی و خصوصی هستند.

سندیکاهای کارگری خواهان حمایت کامل دولت از صنایع داخلی بوده و راه اندازی و نوسازی کارخانه‌ها را در اولویت کاری دولت دانسته و به این منظور خواهان منع ورود کالاهایی که تولید مشابه آن‌ها در داخل کشور امکان‌پذیر است، می‌باشند.

سندیکاهای کارگری خواهان جلوگیری از تعطیل موسسات تولیدی تحت هر عنوان بوده و تعطیلی هر کارخانه تولیدی، را هدف گرفتن منافع ملی و امنیت ملی کشور می‌دانند.

## اینگونه است که ایران روزی دو میلی متر فرو می‌رود!



عکس و شرح آن را در کانال تلگرام خبرگزاری محیط زیست ایران (ایرن) دیدم. ماجرا این است که این نشانه بتونی در دشت وایقان شبستر همسطح زمین بوده قبلاً اما میبینیم که تحت تاثیر فرسایش خاک اکنون دست کم شصت سانتی متر در هوا معلق مانده است. تصویری عینی از بحران فرسایش خاک، در کشوری که از این نظر رتبه نخست را در جهان دارد و سالی حدود دو میلی متر از خاکش را از دست میدهد. به عبارت دیگر خاکی که ایران در سی سال گذشته از دست داده حاصل شش هزار سال تکاپوی آب و آفتاب و باد بوده در این سرزمین، که از دست رفته است.



## زنان پیشگام حرکت های اجتماعی و زیست محیطی!



عکس بالادوچرخه سورای بانوان مریوانی رابه تصویر کشیده است.

با پرننگ شدن بحران آلودگی هوادر سالهای اخیر، برخی از تشکل های مردم نهاد محیط زیستی رابه تکاپوانداخت که راه حل مردمی جهت کاهش این معضل بیابند. ایده های مختلفی جهت کاهش این مسئله مطرح شد که یکی از آنها «سه شنبه های بدون خودرو» بود. طی این طرح، از مردم خواسته شد در جهت سالم سازی محیط زیست و بر خورداری از هوای پاک با استفاده از دوچرخه در اماکن عمومی حاضر شوند.

در این طرح که باستقبال مسوولین دولتی از جمله خانم ابتکار، معاون رییس جمهور و رییس سازمان حفاظت از محیط زیست قرار گرفت، از مردم خواسته شد که روزهای سه شنبه با دوچرخه در اماکن عمومی حاضر شوند. از همان آغاز، زنان و مردان شهرهای مختلف حضور پررنگی در عملی شدن این طرح داشتند.

دیگروقت آن نیست که بدانیم چه کسی  
جهان را آفریده است، باید دید، چه کسانی  
به خراب کردن آن مشغولند!

نوام چامسکه  
نظریه پرداز آمریکایی  
1928





## تن فروشی، یک معضل اجتماعی محصول فقر و فساد حکومتی!

به گزارش خبرنگار موج، دیگر زمان حکومت «زال ممد» در دوره رضاشاه نیست تا دخترکان خیابانی تهران را در محلی گرد هم جمع کرده و به خوشگذران‌ها ارائه دهد. «شهر نو» هم نداریم! لاله زار هم سالهای سال است لاله زار قدیم نیست...

ملکه اعتضادی، پری آزدان قزی، پری بلند، سیمین بی ام و، اشرف چهار چشم، پری سیاه، شهلا آبادانی، ناهید و بسیاری از زنان روسپی تهران فراموش شده‌اند. اما متأسفانه تن فروشی یا همان روسپی‌گری همچنان بازارش در پایتخت داغ داغ است فقط کمی روش تبلیغات و قیمت‌ها متفاوت شده با این فرق که مسئولان این آسیب اجتماعی را تابو می‌دانند و بعنوان خط قرمز به هیچ عنوان به آن ورود نمی‌کنند. حتی وزیر کشور هم در ارائه گزارش آسیب‌های اجتماعی به مجلس حرفی از روسپی‌ها نزنید. در این میان گروهی معتقدند نباید پرونده روسپی‌های تهران را باز کرد و گروهی دیگر می‌گویند باید این تابو شکسته شود. اما منتقدان معتقدند که تعداد روسپی‌های پایتخت آنقدر اندک و کم است که احساس خطر نمی‌شود. اما شاید گفتگوی کارشناسی که مستقیم با روسپی‌های تهرانی ارتباط دارد قابل تأمل باشد.

نامش فرحناز سلیمی است، متولد تهران، متخصص مامایی و کارشناس ارشد روانشناسی؛ می‌گوید: از سال ۸۸ در بندرعباس شروع به فعالیت کردم، به دلیل مأموریت همسرم که متخصص اعصاب و روان است به این شهر سفر کردیم، از طریق دوست همسرم (متخصص روانشناسی) به مرکز مشاوره ویژه زنان آسیب‌پذیر آمدم و رسماً کارم آغاز شد.

از آغاز فعالیت‌هایش در محله شهناز بندرعباس و چگونگی ارائه مشاوره به زنان آسیب‌پذیر می‌گوید: مجوز طرح از سوی وزارت بهداشت با هدف اصلی کنترل اچ‌ای وی و جلوگیری از گسترش آن از طریق رابطه جنسی بود چرا که سایر روش‌های انتقال بیماری‌های ایدز از جمله مادر به فرزند و سرنگ آلوده کنترل شده بود. وزارت بهداشت پروژه‌ای را در ۸ استان کشور تعریف کرد، به نام «طرح کاهش آسیب و ارتقای سلامت»؛ بر اساس پروتکل وزارت بهداشت ۴ گروه هدف برای مرکز ما تعیین شد؛ زنانی که سابقه زندان دارند، زنانی که همسرانشان به زندان افتاده، زنان تن‌فروش، زنان که معتادند یا همسرانشان اعتیاد دارند. ما باید این زنان را شناسایی کرده و برای مشاوره و معاینات مامایی به مرکز ارجاع می‌دادیم. تأمین هزینه‌ها بر عهده وزارت بهداشت بود و ما توانستیم طی ۱۸ ماه در بندرعباس ۱۵۳ نفر را جذب کنیم.

بیشتر گروه‌های جذب شده زنان معتاد و تن‌فروش بودند، و کار ما کنترل اچ‌ای وی بود و باید می‌دانستیم که این زنان رابطه جنسی دارند یا خیر؟ وقتی از خانم سلیمی سوال کردیم چرا در این منطقه کشور این نوع آسیب زیاد است گفت: تعداد مردان مجرد در بندرعباس به دلیل مهاجرت و کار در پتروشیمی‌ها زیاد است. آن‌ها اغلب کارگران فصلی هستند و برای نیاز جنسی خود با این زن‌ها در ارتباط‌اند.

خانم سلیمی علت تن‌فروشی زنان را فقر و تأمین مواد مخدر برای خود و یا همسر می‌داند و می‌گوید: بیشتر زنان، بالای ۳۰ سال سن دارند و شاید بهتر است بگویم مشکل و علت تن‌فروشی زنان در تهران با بندرعباس فرقی ندارد. ما افرادی داریم که تنها برای تأمین یک وعده غذایی اقدام به تن‌فروشی می‌کنند.

## لایحه کاهش ساعات کار زنان به تأیید شورای نگهبان رسید



شورای نگهبان با لایحه کاهش ساعات کار زنان شاغل در ادارات موافقت کرد و در ادارات به عنوان یک قانون به دستگاههای اجرایی ابلاغ می شود. این لایحه با هدف «استحکام بخشی بیشتر به بنیان خانواده به صورت گذران زمان بیشتر زنان شاغل در جمع خانواده» و نیز «سر و مامان بیشتر به خانواده دادن» به مجلس ارائه شده بود.

در لایحه کاهش ساعت کاری زنان پیش بینی شده است که در راستای تحکیم خانواده و حمایت از زنان دارای شرایط خاص اجتماعی، ساعات کار زنان دارای فرزند زیر هفت سال، همسر یا فرزند معلول و مبتلا به بیماری های خاص یا صعب العلاج و یا زنان سرپرست خانوار شاغل در دستگاه های اجرایی موضوع ماده ۲۲۲ قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۵ دی ماه ۱۳۸۹ و بخش غیردولتی اعم از مشمولان قانون کار و قانون تأمین اجتماعی، حسب تقاضای کارکنان مشمول این قانون از ۴۴ ساعت به ۳۶ ساعت با حفظ حقوق و مزایا، کاهش یابد.

سندیکای کارگران فلز کار مکانیک امیدوار است که این لایحه در کارخانه ها اجرا شده و هر کارفرمایی که تن به اجرای این لایحه نداد و یا برای فرار از این قانون زنان را اخراج و یا مجبور به کار بیشتر نمود مجازات شود.

## یک وانت شادی و شادمانی



این بار شادی، اگر راننده سرعت نگیرد و از مقابل هم کسی به آن نزند و البته واژگون هم نشود، با همین شادی ساده و بی پیرایه به منزل می رسند. شالی کاران زحمتکش همه از کار باز می گردند و می روند به خانه هایشان. هر کدام، هر طور که سنت است و دلش خواسته لباس پوشیده. برای این شادی پایان کار، آوازهای محلی می خوانند و پایکوبی می کنند. آری امروز هم سرکار رفتیم و دستمزدی به خانه می بریم. تافردا.....

